

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۴ صفحه

۷۶

**پیکار**

سال دوم - دوشنبه ۲۱ مهر ۱۳۵۹

بها ۲۵ ریال

## در صفحات دیگر این شماره:

- مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۲۹ تا ۵۳ (۵) صفحه ۱۵
- با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یث سرباز (۷) صفحه ۲۱
- حزب توده و مسئله عراق
- تجسمی از بوقلمون صفی و ابن الوقتی! صفحه ۱۳
- پاسخ به نامه ها صفحه ۱۹

**تیمسار فلاحی فرمانده**

**نیروی زمینی و جانشین**

**ستاد مشترک ارتش کیست؟**

۸ صفحه

## امپریالیستها و سوداگری اسلحه

لبنس سگفت طفلیگری از حمله جومات امپریالیسم بوده و سوداگری تسلیحاتی یکی از موارد این طفلیگری می باشد. امپریالیستها برای اعمال ستمگری سیاسی - اقتصادی برای تقسیم و گسترش مناطق نفوذ و برای تأمین هر چه بیشتر سودهای کلان، تا گریز به اعمال زورمیانند و یکی از اشکال این اعمال زور سرباز کردن جنگ و ایجاد من زدن به آن است. برای تحقق این امر کارخانجات اسلحه سازی امپریالیستی ابزار این اعمال زور را فراهم میسازند و تسلیحات امپریالیستی نه تنها در خدمت اهداف نظامی - کارانه مستقیم امپریالیسم است بلکه علاوه بر آن منبع درآمد بسیاری برای این جهانخواران بشمار می آید.

امپریالیستها (اعم از امپریالیسم آمریکا - سوویتال - امپریالیسم روس و امپریالیستهای اروپائی) از طریق سوداگری تسلیحاتی سالانه میلیاردها دلار جنگ میا ورند. اگر ارکسوی شخصی بخش مهمی از بودجه نظامی به خرید اسلحه

بخش ۲ در صفحه ۲

**مشتی از خروار:**

**اشاره ای به جنایات**

**بعثی ها در عراق**

۱۱ صفحه

**کارگران: قربانیان اصلی جنگ ایران و عراق**

حکمی که اکنون رژیمهای ایران و عراق بر آنها خاسته اند هر روز که میگذرد، دامنه بیشتری خود گرفته و بیش از پیش، زخمیکشان و سوز زه کارگران دو کشور را به بدبختی و فلاکت میکشد. سابق حاله در طی حدود سه هفته جنگ ایران و عراق، اکنون بخوبی نشان داده است که سبب کارگران دو کشور بیشترین صدمه را از این جنگ می بینند و کلیه عوارض نگیست با رنجک مصیبت آنها میگردد. حال سیمیم که کارگران در جنگ پس سرمایه داران دو کشور، چگونه قربانی سوطنه های امپریالیسم و اهداف توسعه طلبانه و مدخلی رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق میگردد؟ سرمایه داران هر دو کشور، کارگران و زخمیکشان و مرزندان آنها را به همان همانداخته اند

بخش ۷ در صفحه ۷

**یاد پیشمرگه قهرمان رفیق عطا اله بزازنده را گرامی بداریم**

۵ صفحه

**جنگ غیر عادلانه چیست؟**

۹ صفحه

**مباران روز دوشنبه تهران، بار دیگر مردم را غارتگر کرد (گزارش عیش از بهاران روز دوشنبه ۱۹ مرداد ۵۹)**

**گزارشی از شهرهای آذری و جرجان ۱۳/۷/۵۹**

**کشتار ویرانی، توارگی و... دستاورد جنگ ایران و عراق برای زخمیکشان**

**سوسیال امپریالیسم شوروی تأمین کننده اصلی سلاحهای رژیم عراق**

۱۰ صفحه

**مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران**

## رژیم جمهوری اسلامی دست بدامن امپریالیسم فرانسه میشود

رژیم است که شب و روز در بلندگوهایش به فحاشی می‌پردازد محتوای علیه کشورهای امپریالیستی و از جمله فرانسه مشغول است ولی در ادامه جنگ غارتگران به سر علیه خلقهای ایران و عراق، برای تجهیز و تکمیل تسلیحات مدرن خود دست بدامن امپریالیستهای فرانسوی میشود.

طبق خبر روزنامه "لوموند" شماره ۱۴ مهر ۵۹، رژیم جمهوری اسلامی از کارخانجات "داسو" (سازنده هواپیماهای جنگی میراژ) خواسته است تا تجهیزات نیروی هوایی و ویژه هواپیماهای جنگنده ارتش جمهوری اسلامی را بعهده بگیرد. از آغاز جنگ تحمیلی و غیره ادانای ایران و عراق این از اولین نشانه‌های گزایش به غرب علیانی

## بقیه رصحه ۱ امپریالیستها...

از امپریالیستهای توسط رژیمهای ارتجاعی و وابسته، یکی از منابع مسموم و آلوده... ری تسلیحاتی امپریالیستی است، از سوی دیگر جنگهای ارتجاعی، محلی، منطقه‌ای و غیره فرصت طلایی و عالی است که امپریالیستهای پیش به سودهای غارتگران خود بسیار فزایند. اما بهر واضح است که امپریالیستهای با فروش اسلحه علاوه بر سودهای کلان اقتصادی هدف سرکوب جنبشها و انقلابات و به خون کشیدن توده‌های ستمکش را نیز تعقیب میکنند.

جنگ ایران و عراق فرصت دیگری است تا امپریالیستهای تبهکار از طریق سوداگری تسلیحاتی و دامن زدن به این جنگ ارتجاعی اهداف خود را تعقیب نمایند. اگر این جنگ برای زحمتکشان ایران و عراق فلاکت و کشتار به ارمغان می‌آورد، در عوض برای صنایع اسلحه سازی امپریالیستهای سودهای هنگفتی به همراه می‌آورد امپریالیستهای با حرص و ولع بسیار میکوشند تا دولتهای متغایر را به خرید اسلحه‌های جدید تشویق نمایند و دولتهای ارتجاعی منطقه و از جمله رژیمهای عراق و ایران خواسته‌های امپریالیستهای را پاسخ میگویند و بدین به قیمت محرومیتها و گرسنگی کارگران و سایر توده‌ها، به قیمت خون فرزندان زحمتکشان و به قیمت اسارت بیشتر آنان، با خرید ابزار آلات جنگی و قطعات یدکی نظامی، کیمیه‌های غارت جهانفروان را بر می‌کنند. در اینجا ما نگاه می‌کنیم به معاملات یک هفتاد و غیر تسلیحات در منطقه می‌اندازیم تا نشان دهیم در برابر کشتار توده‌ها چگونه منافق امپریالیستها تا مین می‌شود:

■ ایران از ترکیه (لوموند، ۵ سپتامبر) و کره جنوبی اسلحه و لوازم یدکی می‌خرد (خبرنامه جنگ پیکار شماره ۱). ترکیه و کره هر دو کارگزار امپریالیسم آمریکا هستند و طبیعی است که سود این معامله به حیط انحصارات امپریالیستی می‌رسد.

■ عراق از فرانسه موثق زمین به هوا می‌خرد. (آرژانتین و میزان ۱۷ مهر)

افغانستان، ترکیه و... نیز هر یک میکوشند تا به قیمت فلاکت و زحمتکشان یک زرادخانه نظامی در کشور خود ایجاد کنند. آری جنگ ارتجاعی ایران و عراق با زار خوبی برای فروشندگان اسلحه، این سودگران مرگ ایجاد کرده است. همانطور که دیروز جنگ سومالی و اتیوپی، عراق و کویت، هندوپاکستان، ترکیه و یونان با زار خوبی برای امپریالیستهای و سوداگران امپریالیسم بوجود آورده بود. سفارشات جنگی و نظامی این کشورها میلیاردها دلار نصیب سوداگران اسلحه کرده است ولی ما میدانیم که هر قدر زرادخانه‌های جهت خرید اسلحه تمهیدات انضباطی طلبانه دیگری را نیز به همراه می‌آورد، ارسال مستشاران نظامی و جاسوس از جانب امپریالیستهای، خرید قطعات یدکی از انحصارات، گرفتن وام‌های امپریالیستی، انعقاد پیمانهای دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی از جمله تمهیدات الزام‌آوری است که کشور خریدار اسلحه می‌بایست رعایت نماید.

بدین ترتیب امپریالیستهای میکوشند تا با فروش اسلحه کشورهای دیگر را هر چه بیشتر به اسارت خود درآورند و بهر واضح است رژیم‌های شی که بر روی چنین خطی راه می‌روند تضمین کننده استمرار منافع سوداگران بین‌المللی اسلحه می‌باشند. آری چنین رژیم‌هایی با خرید اسلحه امپریالیستی، با سرکوب خونین انقلاب، با قربانی نمودن جان و مال زحمتکشان، درزگرهای تحیف طلبیگری امپریالیستی خون تازه می‌دمند آری رژیم جمهوری اسلامی و رژیم جمهوری عراق چنین میکنند.

■ ایران از فرانسه درخواست تعمیر هلیکوپترهای نظامی خود را کرده و برای این منظور بسیار کارخانه‌ها و سازماندهای قرارداد می‌بندد. (خبرگزاریها)

■ شوروی مقادیر زیادی اسلحه و مهمات برای عراق فرستاد، این اسلحه‌ها در عقبه تخریب و از طریق اردن برای عراق فرستاده میشود. (انقلاب اسلامی ۱۵ مهر)

■ عربستان از آمریکا ۴ هواپیما ۴۰۰ کی (رادار پیرونده) که گرانترین هواپیماهای جهان است خریداری کرد (جمهوری اسلامی ۱۵ مهر).

■ شوروی، مدناک بی - ۲۲ به عراق داد. (مذاکرات نخست وزیر و سفیر شوروی)

■ شوروی کارشناسان نظامی خود را به اردن فرستاد. (خبرگزاریها)

■ لیبی و سوریه با اسلحه شوروی به ایران کمک میکنند. (خبرگزاریها)

طبیعی است در ادامه این خرید و فروش تسلیحاتی، کویت، شیخ نشینهای عربی، پاکستان

## تصحیح و توضیح:

در شماره ۷۵ کتابی از آلکساندر کولونای زین انقلابی و بلشویک روسیه معرفی کردیم که متأسفانه طرح روی جلد کتاب بطور واضح چاپ نشد. عنوان کتاب زن کارکن و مادر "است از انتشارات کمیته زنان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر.



توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می‌کنیم!

# جنبش کارگری



**دورژیم جمهوری اسلامی،  
بیماری خطرناک زحمتکشان  
غیرضروری تشخیص داده میشود!**

روزیکشنبه ۵۹/۷/۶ یکی از کارگران کوره - بهزخانه دختر بهاش را به بیمارستان دکتر شریعتی میبرد. پای دختر که عفونت شدیدی داشته و نا مغزا سخوانش رسیده بود برای نجات زندگی دختر به بیمارستان پایش را قطع میکردند. پزشکان پس از معاینه بیمار میگویند دولت دستور داده که از بستری کردن بیماران غیر ضروری خودداری شود! از بیمارستانی که او را بستری کنیم. آنها ۲ درس بیمارستان دکتر فاطمی را به او میدهند، کارگر مذکور با این بیمارستان و بیمارستانی که نام خمینی، فیروزگر و لقمان الدوله، دهم تاس میگردولی هیچ بیمارستانی حاضر به بستری نمودن دختر او نمیشود. کارگر زحمتکش می فهمد که با بد دختر بهاش را به خانه ببرد و خودش هدر میبرد. او با شد، در حالیکه با یک عمل ساده میشد که دختر بهاش را نجات داد. ولی آن دورژیم جمهوری اسلامی زحمتکشان را منتظاری غیر از این باید داشته باشند.

## اخراج کارگران مبارز تولیدی زرین تریکو

روزه ۱۳ شهریور ۵۹ کارفرمایان تولیدی زرین - سه نفر از کارگران را بدون سبب از کارخانه اخراج کردند و با اعتراض این کارگران و تهدید به شکایت پس از دو روز به سرکار بازگشتند. ۳ شهریور مسئولان کارخانه زرین تصمیم به اخراج ۵ نفر از کارگران دیگر گرفتند که با اعتراض بقیه کارگران روبرو شدند. زرین سرمایه - دار کارخانه که در دستگاهی اعتراض فرا گرفت بود حبله همیشگی سرمایه داران را بکار بست و "کارخانه را بعد تا معلوم تعطیل اعلام کرد". کارگران همان روز تا ساعت ۳ بعد از ظهر جلوی کارخانه تجمع کردند و پس از آن دوباره روز ۶/۱۵ به جلوی کارخانه آمده و تجمع کردند. کارفرما بان که نمیخواستند کارخانه را باز کنند، با اعتراض محدود کارگران روبرو شدند، کارگران بلافاصله خواسته ۷ ماده خود را که شامل آغازه حقوقی گرفتن حق ممکن، حق اولاد، تشکیل شوراهمچنین اخراج یکی از سرپرستان بود، بدیوار نصب کردند. پس از آن کارگران به وزارت کار هم شکایت کردند و جواب وزارت کار "ذبح شرعی طبق ماده ۳۴ بود" در این مدت مدتی که برادرش در کمیته ۲ گیتا ست توانست یکی از کارگران را به کمیته برده و از او بازجویی بکند. مبارزه کارگران اخراجی هنوز ادامه دارد.

## آغا جاری - یورش پاسداران سرمایه به کارکنان صنعت نفت

پیکار، گفتگوبه پیش و معاهدات آن میبایست این مزدوران سرمایه در مقابل اعتراض کارگران اسلحه های خود را به بیرون کارخانه بسپرد و دوباره برای تقویت بدخل کارخانه بر میگردند و یکی دیگر از کارگران را با خا طریبید کردن شریه در کمرش، دستگیر میکنند و میبرند کارگران مبارز برای آزادی دوستانشان به "مقر باسداران می - روند و علیرغم تشنات باسداران و حمله به کارگران، نفتگران مبارز در مقابل مقرر سپاه - باسداران متحصن میشوند و شروع به افشاگری میکنند. باسداران پس از پرتاب مایه های برای دو کارگر مبارز آنها را به "دادگاه انقلاب" میبرند. نفتگران مبارز برای پیشبرد بهتر مبارزه از بین خود انتخاب کرده و متحدان و متشکل موضوع را دنبال میکنند. در این اثنا انما ری "مشول بخش گاز و گاز مایع" کوشش میکند کارگران را با آنها مترک است از موضوع دستگیری دوستانشان منحرف سازد که با برخورد آگاهانه و هشیارانه نفتگران مبارز مواجهه میشود و نفتگران مبارزه نرسد و متشکل خود ادامه میدهند و در مقابل زور و توطئه سرخ نمیکند.

طهر دوشنبه ۲۴ شهریور ۵۹ باسداران مبلغ به کارخانه "ان جی، ال ۵۰۰" آغا جاری - یورش می برند. جلودر ورودی مانع ورود آنها می - شوند. ولی یکی از افراد قانونگذار صنعت نفت (که بعدا منع می شود و خودی باسداران را به بهانه اینکه یکی از کارگران در کمرش اسلحه دارد، غیر کرده بود) با مسئولیت خود آنها را بدون کارخانه راه میدهد. (گویا یکی از کارگران زحمتکش بعلت ابتلا به بیماری روانی چندین بار بطرف همکارانش اسلحه کشیده است ولی رژیم جمهوری اسلامی بجای معالجه باسداران سرمایه را گیل میدارند. تانهایه ای برای سرکوب کارگران آگاه دست آورده) باسداران سراغ کمد لباس کارگران رفته و بعد از گرفتن آنها را میکنند و با مقاومت کارگران مواجه میشوند. باسداران سرمایه با صدای تفنگ بهان یکی از نفتگران معترضی مافوق و رادستگیر میکنند. هنگامیکه کارگران به دستگیری رفیق مبارزانشان اعتراض میکنند و از آنها "مجازا نوسی" میخواهند یکی از باسداران جهت گرفتن "مجازا" به "دادگاه انقلاب" میبرد. در تقویت باسداران او با تعدادی شتر با مترقی و انقلابی از جمله کار،

## جان کارگران برای رژیم ارزشی ندارد

آبادان - حدود ساعت ۱۱ صبح دوشنبه ۱۴ مهر یک فرزند یک عوامی از اهالی آبادان که پرواز کرد که پس از عبور آن در اثر انفجار "کت کراکسر" (C.C.U) دود غلیظی برخاست که بعد از یکساعت دو ساعت خاموش شد. هنوز یک ربع نگذشته بود که دو میک عراقی در حال سرکشت به خاک عراق سمت پتروشیمی را کتی پرتاب کردند که عمل نکرد. آنها از ارتفاع بسیار کم پرواز میکردند آتش - بارهای ضد هوایی پس از عبور آنها چند تیر شلیک کردند. کارگران پتروشیمی لباسهای کاغذی را در آورده و لباسهای خود را پوشیدند و همگی میگفتند که محیط کار خطرناک است. دوسن از اعضای "انجمن اسلامی" مطرح میکردند که "آشنا هم بهر حال جنبه جنگ است و باید کار کرد". قسمت "کار از" با "عمل و نقل" تنها بخش

فعال با لاینگاه است که در هر نوبت کار را حداقل ۵۰۰ نفر کارگر و افراد دیگری در محل مشغول بکارند. و در صورت پرتاب راکت یا شلیک هواپیما های رژیم به سمت تعداد زیادی از زحمت - کشان کشته و زخمی خواهند شد. عده ای از کارگران معتقدند که می بایست محل کار به جای سیخپری منتقل شود. با در پیرون لاینگاه به تعمیر اتومبیل های مختلف مشغول شوند اما مسئولین فردای آن روز طرحی تهیه میکنند که با صلاح حافظ ایمنی کارگران است. آنان کارگران را به دوشنبه تقسیم میکنند: ۱- روز کار (از صبح تا عصر) ۲- شب کار (از عصر تا صبح) این طرح با مخالفت اکثریت کارگران روبرو شد ولی با فشار و ترس آنان را مجبور به قبول آن کردند این طرح هم اکنون اجرا میشود و حضور و غایب مکرر و با دقت هر روز اجرا میگیرد. آری، جان کارگران برای رژیم سرمایه داران حمارش دارد؟

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

[www.peykar.org](http://www.peykar.org)

**کشتار و سرکوب خونین  
مردم مهاباد بدست  
رژیم جمهوری اسلامی**



**خلق ها و  
مسئله  
ملی**

### خلقهای قهرمان ایران!

مهاباد در آتش و خون غرق شده است. جدها  
نفر از مردم به دفاع این شهر توسط مزدوران رژیم  
جمهوری اسلامی، بخون خویش در غلطیده اند و از  
این طریق رژیم جمهوری اسلامی حاکمیت جنایت  
- کارانه و خونینش را در مهاباد برقرار ساخته  
است. کمیته کردستان سازمان ما در این مورد  
اعلامیه ای منتشر کرده است. ما ابتداء قسمتهائی  
از آن را در اینجا میاوریم و بعد خلقهای قهرمان  
ایران را در جریان آنچه که طی ۱۱ روز بر مردم  
مهاباد گذشت قرار میدهم:

### مردم آگاه و قهرمان ایران!

شک با ردیگر خلق ستم دیده کرد و اینبار مردم  
مبارز مهاباد مورد یورش متمرکز و وحشیانه  
ارکانهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی قرار  
گرفتند. و خوشان خاک کردستان را گلگون نر  
نمود. با ردیگرما شین کشتارهای حاکمه که بی  
وقفه در شهرها و روستاهای کردستان جان و زندگی  
خلق کرد را به نیستی و نابودی میکشاند. با  
گلوله باران و خمپاره باران مردم مهاباد با دیگر  
دیگری بر دوش جنایت ارتش ضد خلقی و با سداران  
رژیم جمهوری اسلامی افزود...

### زحمتکشان و خلقهای سراسر ایران!

هیات حاکمه جمهوری اسلامی از فروردین  
امسال در دو مین یورش سراسری خود به کردستان  
بی وقفه به سرکوب و کشتار و واد کردن بیشترین  
فشار بر خلق کردها دست زده است. ارتش و با سداران  
طی این مدت و در جریان استقرار در شهرهای  
جنوبی کردستان که تنها با تکیه بر تراب و تانک  
و سایر سلاحهای مرگبار و بی قیمت خون عدا تنن و  
ویرانی خانه و گاشانه آنها انجام گرفت. گذشته  
از ادا به حرکت ضد مردمی خود در این شهرها مردم  
روستاهای اطراف را نیز به تیغ سرکوب  
گرفتند. و ددمنشانه به نابودی زندگی آنها دست  
زدند. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی به این  
نیزار کشتار نکرده، هر لحظه به سوطه جینی علیه  
مردم شهرهای شمالی کردستان دست زده اند و  
برای گسترش یورش به این شهرها نقشه ریختند و  
قدم به قدم اجرا آوردند.

آنها در دشمنی خود با خلق کرد که با نگر  
دشمنی آنان با خلقهای سراسر ایران است در

## یاد پیشمرگه قهرمان رفیق عطاء الله برازنده

### راگرامی بداریم!

یک دقیقه سکوت

به یاد هرا افتخارش،

با بیان سکوت،

یادش گرامی باد!

و راهش

همواره پیروز!

و اینک ما

با ران مبارزه کوتاه و پربارش

به صمیمیتش

به پیگیری و مدافعتش

و به شهادت والايش

قسم یاد می کنیم:

که هر روز پیشتر با موزیم

و هر روز مبارزه مان را

گسترده تر سازیم

و تا آنگاه

که آمان والايش

آمان کارگران

- جا همه کمونیستی -

تحقق یابد

از پای نخواهیم نشست.

### خلق دلاور کرد! مردم مبارز ایران!

روزشنبه ۵۹/۷/۱۲ رفیق عطاء الله برازنده یکی از  
پیشمرگان پر شور و پرتلاش سازمان پیکار، طی  
انجا یک ما موریت سازمانی در یک درگیری  
نا برابریا مزدوران رژیم جمهوری اسلامی پس  
از نبرد مقاومتی قهرمانانه بخون خود در غلتید  
"تا در لحظه های پیروزی، سر بر آرد بر پام خانه ها  
بر دوش کارخانه ها، در قلب کشتزارها".

پیکارگر شهید عطاء برازنده سال ۱۳۳۵ در  
روستای علی آباد، در منطقه اعشار (کردستان) و  
در خانواده ای زحمتکش ندنیا آمد. دوران  
کودکیش در محیطی پر از درد و رنج و در میان  
نوده های فقر و ستم دیده دهقان گذشت و با کینه  
و نفرتی عمیق نسبت به دشمنان زحمتکشان  
بزرگ شد. رفیق هنگامیکه در سنج در دبیرستان  
تحصیل میکرد با مسائل سیاسی آشنا گشت و از

آنجا که زمینه سازی برای جذب ایده های  
انقلابی داشت، یزودی به فعالین سیاسی و  
انقلابی پیوست.

رفیق عطاء در سال ۱۳۵۵ وارد دانشگاه  
دایمیری ایلام شد و آنجا که عنصری استوار،  
پر شور و صمیمی بودی پروا از فضای سنگین و  
غفان باری که دژ غیمان آریا مهری ایجاد  
کرده بودند در دانشگاه به فعالیت های مبارزاتی  
افزود و یکی از فعالین جنبش دانشجویان  
انقلابی گردید.

رفیق در دوران قیام شکوهمند خلع های  
قهرمان ایران فعالانه شرکت داشت و از جان مایه  
میکذاشت و در همین زمان هوادار سازمان شد.  
وی با شرکت فعال در جنگ نوروز خونین سنج  
نحارب ارزنده ای آموخت. رفیق بعدا به  
دانشگاه اش شرکت و در کنار سایر رفقایاش به  
تبلیغ و ترویج مثنی سازمانی که بدان عشق  
میورزید پرداخت و مسئولیت چندین هیات  
کارگری و دانش آموزی را به عهده گرفت.  
اوس از مدتی دانشگاه اش را رها کرد و  
در ارتباط با دفتر سقز سازمان بصورت یک  
بقیه در صفحه ۲۱

**حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست**

## مهاباد، ۱۱ روز مقاومت قهرمانانه خلق، ۱۱ روز کشتار خلق کرد



### مهاباد: غرق در آتش و خون

#### گزارشی به خلقهای قهرمان ایران

شدند. بلافاصله مردم در مساجد محلات خود، گروههای امداد تشکیل داده و به مداوای زخمیها پرداختند. عمرا امروز بیشترگان رزمندگان دمکرات به فرمانداری حمله کردند و همزمان با آن بیشترگان قهرمان کومله در همان محل یک نفر بر ارتش را با آتش - بی - حی از بین بردند.

■ ۵۹/۶/۲۸ ارسا عت ۱۰ صبح امروز، ارتش و پاسداران ددمشانه محلات وسیع خود را شروع کردند. آنها در هر محل جنبیده ای می دیدند. آن محل را به خمپاره می بستند. با افزایش تهاجم وحشیانه آنها، تعداد شهدا و زخمیها لحظه به لحظه زیاده تر میشد. نزدیکی شب ارتش از طریق رادیو اعلام کرد که اگر افراد مسلح، سلاح خود را تحویل ندهند، شهر را آتشبار می کنند و در حمله خود را رخنه ها می دادند. هنگام شب یک ستون شامل یک تانک و یک زره پوش و یک ذیل به مقصد رادیو تلویزیون از پادگان خارج شد. اما در جها را راه مولوی مورد حمله تهاجمه بیشترگان رزمندگان دمکرات قرار گرفت و کلیه افراد آن کشته و زخمی شدند. تمام مهمات و اسلحه آنها، بدست بیشترگان افتاد. نیروهای ضد خلقی مستقر در تپه "دانا محید" منطقه را مرتباً خمپاره باران میکردند.

■ ۵۹/۶/۲۹ امروز نیز تا ساعت ۱۰ اوضاع شهر نسبتاً آرام بود. حدود ساعت ۱۰، سرکوبگران خلق کرد، با خمپاره و تفنگ ام-۱۶ شهر را زیر بارش وحشیانه خود قرار دادند. در این محلات تعداد زیادی از مردم بیدفاع کشته و زخمی شدند. شدت حمله کمتر از روز قبل بود. در هنگام شب بیشترگان بیگانه را از زمان بیگانه رو بیشترگان رزمندگان دمکرات به استادیوم رادیو تلویزیون حمله کردند و تلفاتی به ضد خلقی مستقر در آن مکانها، وارد ساختند. شهر همچنان زیر خمپاره ها، در آتش و خون غرق بود.

■ ۵۹/۶/۳۰ ساعت ۱۱ صبح امروز رادیو مهاباد اعلامیه آتش بس مورد توافق پادگان و شورای مساجد شهر را اعلام کرد. در اعلامیه به شرط از طرف پادگان ذکر شده بود:

- ۱- کوچکترین حرکت از طرف ضد انقلاب موجب نابودی شهر میگردد.
- ۲- مسافران شهر میتوانند از طریق حاصه مساجد و آب از شهر خارج شوند.
- ۳- به تمام مردم شهر اعلام میداریم که کوچکترین

بقیه در صفحه ۲۲

■ ۵۹/۶/۲۴ در این روز دستون ارتشی از طریق حاصه های مساجد و آب و رها شده بطرف مهاباد حرکت کرده و در اطراف شهر در تپه های مشرف به شهر مهاباد "تپه قاسی" و "کوه خراشی" مستقر گردیدند. این ستونها در مسیرهای خود دهات اطراف را به توب و خمپاره بستند و موجب سها دت دهها نفر از روستا ثیان گردیدند که از حمله آنها شهادت نفرتگ تراش و ۴۰ بیشترگه در حاصه رها شده بدست نیروهای ضد خلق بود. آنها همچنین در مسیر حاصه مساجد و آب قهوه خانه امیرآباد را با راکت مورد هجوم قرار داده و موجب زخمی شدن دو بیشترگه قهرمان شدند. ستونهای مذکور هر یک شامل ۱۸ تانک و تعداد زیادی خودرو بودند.

■ ۵۹/۶/۲۵ صبح این روز یک نفر بر پادگان تعدادی ارتشی و یک جاش در استادیوم نزدیک پادگان مستقرند. همچنین با پادگان و جاشها بدون هیچ مقاومتی از طرف بیشترگان در ستاد ارتش در میدان قاسی محاصره و استقرار یافتند و از ظهر همان روز یک نفر سروسه خود رو به رادیو و تلویزیون رفتند.

■ ۵۹/۶/۲۶ ساعت ۱۰ صبح امروز به نفرت پادگان و ارتش در جها را راه آزادی توسط مردم دستگیر و وسیله بیشترگان حزب دمکرات به روستای "لاچین" برده شدند. بعد از این جریان، پادگان مهاباد با صدور اطلاعیه ای اعلام کرد که اگر تا ساعت ۳ بعد از ظهر این به نفرت تحویل پادگان نگردند، ارتش تمام روستا های اطراف را به توب خواهد بست. با وجود بیان مهلت تعیین شده، پادگان و ارتش هیچ عکس العملی نشان ندادند اما آنها در طول روز در خانه پینا هنگی و بانک ملی، فرمانداری و دخانیات مستقر شدند و خود را برای کشتار خلق آماده سازند.

■ ۵۹/۶/۲۷ امروز صبح پادگان برای نشان دادن حضور خود در شهر، در طول بانک سبه در خیابان شاهپور سابق شروع به بازرسی و دستگیری مردم کردند اما این میزوران مورد حمله قهرمانانه بیشترگان قرار گرفته و سه تن از آنان در دم کشته شدند. پس از این واقعه ارتش و پادگان مسافر در پادگان و سبه "دانا محید" شهر و روستا های اطراف را با خمپاره و تفنگ ام-۱۶ مورد حمله وحشیانه خود قرار دادند که در آن شب ۱۰ نفر را افراد و دو خان سواد شهید و جدی نفرت زخمی

کشتار و تلفات جانی های متعدد در روز سبتر خلقه محاصره اقتصادی را بر شهرهای مهاباد و سونکان سنگین کرده اند و با عت فشار هر چه بیشتر به جمعیتان این شهرها و روستا های اطراف تند (و هوسوز) میشوند) در ادامه این حرکت ضد مردمی جنون همه کارمندان این دوشهر با مدت نامعلوم و سبف شد. ارتباط تلفنی آنان قطع گردید و جانی راههای عبور و مرور با شهرهای اطراف را بستند و از ورود به شهر و خروج از آن جلوگیری نمودند (و هنوز مسلمانند) و با لایحه حاصه مهاباد و تبدیل آن به یک شهر نیمه ویران، با مطبوعات خاکمیت "خود را در آن برقرار ساختند و جغد وار سغمه "پیروزی" سردادند.

ولی کدام پیروزی؟ "پیروزی" در کشتار مردم بیگانه؟ "پیروزی" در آتشها و خانه ها و کانه و زندگی آنها؟ "پیروزی" در عا ستر کردن دشمنی خود با خلق کرده و هه خلقهای ایران؟

زخمیکشان و خلقهای ایران را هاشا هه این با مطبوعات پیروزی های دشمنان خود بدیده اند. این "پیروزی" ها چیزی جز مشخص تر شدن عقا ستر و ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی برای خلقهای ایران نیست.

امروز بعد از سدیدیک به دو سال که ارجا کمیت رژیم کنونی میگردد، توده های هر چه وسیعتری از زخمیکشان میهنمان مشاهده میکنند که این رژیم نه تنها کوچکترین خواسته های آنها را بر آورده نکرده، بلکه هر روز بیشتر به دشمنی و فدیت با آنها می پردازد. سرکوب کارگران، دهقانان دانشجویان و کشتار و وحشیانه خلق کرد هر روز بیشتر سرکوب و کشتار و وحشیانه خلق کرد هر روز بیشتر جنم خلقهای قهرمان ایران را با میسازد و آنها را برای ادامه انقلاب ناتمام ایران و سرانجام رساندن آن مصمم تر میسازد.

خلقهای قهرمان ایران نباید در مقابل سرکوب و وحشیانه خلق کرد ساکت بنشینند. آنها با بستن در پشت تبلیغات عوا مقربانه و گسترده رژیم و اقمیت و حقانیت فوق را تشفی می دهند و به حمایت و پشتیبانی از خلق کرد میپردازند و صدای اعتراض خود را علیه سرکوب این خلق ستم دیده بلند نمیکنند.

آزادی از قید ستم و استعمار را میسر با ایسم و ارتجاع در گروه همسنگی و پیوند عمیق میان خلقهای سراسر ایران و مبارزه انقلابی آنها فرار دارد. مبارزه ای که تنها تحت رهبری طبقه کارگر مستوا سبه سرانجام میرسد.

تنگ و نفرت بر سرکوبگران خلق کرد! خاودان با دغا طره شهدای خلق کرد و همه خلقهای ایران! بر فرار با خود مختاری خلقها در جمهوری دمکراتیک خلق!

۵۹/۷/۱۰

## درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد

[www.peykar.org](http://www.peykar.org)

[www.peykar.org](http://www.peykar.org)

## جنگ غیرعادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

## سوسیال امپریالیسم شوروی تامین کننده اصلی سلاحهای رژیم عراق

همینا بد، در این ملاقاتها رویزیونیستهای عراق شوروی به نمایندگی از رژیم فاشیستی عراق قبول میدهند که نیازهای جنگی عراق را تامین نمایند.

جنگ ایران و عراق، فرصت دیگری است تا طی آن یکبار دیگر چهره فريبکا را نه دشمنان خلقها و از جمله سوسیال امپریالیسم روس بر ملا گردد. شوروی امپریالیستی ما هیتلر ارتجاعی خود را در پشت نقاب "سوسیالیسم" پنهان کرده و مزورا نه خود را "دوست خلقها" نشان میدهد. اما وقتی کردار و عملکردهای همیشگی آنرا نگاه میکنیم، واقعیت شوروی جز یک نیروی امپریالیستی تشبیه کارودشمن انقلاب چپزدگیری نخواهد بود. میدانیم که رژیم عراق یک رژیم بورژوازی و ضد خلقی است، رژیمی است که سرکوبگر کارگران و زمینگان است، اما همین رژیم توسط سوسیال امپریالیسم بعنوان یک "رژیم فدا امپریالیست" حمایت میشود. این واقعیتی است که امسروز شوروی اصلی ترین تامین کننده سلاحهای رژیم صدام حسین است. شوروی بواسطه یک "قرارداد دولتی" پنج ساله که در سال ۱۹۷۲ با عراق امضا کرد، سالانه به ارزش یک میلیارد و پانصد میلیون دلار سلاح جنگی به عراق تحویل میدهد. در سال ۱۹۷۸ شوروی یک قرارداد دیگر در زمینه نظامی با رژیم صدام حسین منعقد میسازد. بواسطه این قراردادها سبیل مستشاران و جاسوسان روسی به عراق سرازیر میشوند تا ماشین جنگی و ضد مردمی ارتش عراق را سازمان دهند و علاوه بر شوروی موفق میشوند تا در بندر بصره یک پایگاه نظامی مستقر نمایند.

جنگ ایران و عراق فرصت دیگری بود تا سوداگران تسلیحاتی کینه های گناه خود را بزرگ کنند و رژیمهای ارتجاعی را برای گشتار مردم مسلح نمایند. امپریالیستهای روسی به سهم خود کوشیدند تا با دادن زدن به این جنگ غیر عادلانه سلاحهای خود را بفروش ببرانند. یک هفته قبل از تجاوزات عراق به شهرهای داخلی ایران یک کشتی حامل سلاحهای روسی در بندر بصره توقیف کرده و بزرگترین خود را بپا دهی - کند. بدینال آن امپریالیستهای روسی ۱۰۰ تا یک میلیارد "تحويل" رژیم صدام حسین میدهند (۱). چند روز پس از گشتار جنگ برای تامین سلاحهای جدید بطریق عزیز عضو برجسته شورای فرماندهی و معاون نخست وزیر عراق به مسکو سفر میکنند و ملاقات روسی از جمله بوریس پوتین و ریوف دبیر سیاسی حزب رویزیونیست شوروی ملاقات (۱) - رجوع شود به کیهان ۱۴ مهر: ملاقات رجا شای با سبیر شوروی. (۲) - همانجا.

میگوید:

"ما به انقلاب شما و اراده مردم احترام خاص قائلیم ما می توانیم با هم در زمینه های مختلف همکاری کنیم و ما خیریت از نظر تسلیحات نظامی به شما کمک کنیم" (۲). و قاتل هم عادی دارد! سوسیال امپریالیسم نه تنها میخواهد فروشنده اصلی اسلحه به عراق باشد، بلکه همچنین میخواهد بطرف دیگر جنگ یعنی رژیم ضد خلقی ایران هم اسلحه

● آخرین خبر: خبرگزاریها روز جمعه ۱۸ مهر نیز خبر از کمک تسلیحاتی ایمنی و سوریه به ایران دادند. کمیت که نداند این سلاحهای روسی است که از طریق این کشورها و بدون تردید با اجازه سوسیال امپریالیسم روس به ایران داده می شود.

بفروشد، اما واقاحت برای امپریالیستهای سی معنایست. آنان به سود و غارتگری خود می - اندیشند، آنان به گسترش نفوذ و سلطه امپریالیستی خود فکر میکنند، آنان جز شتمگری کار دیگری نمیتوانند بکنند و پرواضح است که سوسیال امپریالیسم روس از این قاعده مستثنی نیست. علیرغم تسلیحات فدا انقلابی رویزیونیست - های حزب توده و چریکهای فدا شای (اکثریت) که شوروی را "دوست خلقها" معرفی می نمایند، علیرغم فريبکا رهایی سوسیال امپریالیستهای روس که خود را "سوسیالیست" وانمود میکنند، واقعیت این است که شوروی یکی از سوداگران اسلحه و مرگ، یکی از سرکوبگران انقلاب خلقها، یکی از ازمایان رژیمهای ارتجاعی و یکی از امپریالیستهای جهان امروز است. سوداگری امپریالیستی شوروی در جنگ عراق و ایران نمونه بارزی است که چهره ده فلک را نه شوروی و رویزیونیستها را بیشتر بر ملا میکند و خلقها و کارگران ایران و جهان را هوشتارتری نماید.

★ ★ ★

اخبار رتوده ها، اگر گزارش با پیشنها دوا انتقاد و با افشاگری همی فرستید قید کنید: مربوط به گزارشات با صفحه ها به بنا به ما و با افشاگری تمام آنچه که برای ما میفرستید با دما مضای شخص (با دوا حرف اول نام مستعارها ننام تشکیلاتی تان) باشد. توجه داشته باشید که تنها زمانی بیکار کاملاً توده ای خواهی شد که نه تنها در پیش آن توده های بیشتری شرکت کنند، بلکه همچنین توده های بیشتری برای ما مطلب بفرستند. در این مورد همیشه این سخنان را بنین را به یاد داشته باشید که:

"یک ارگان وقتی زنده خواهد بود و قابلیت زندگی کردن را خواهد داشت که برای پنج دهم روزها به نگار سیاسی که مرتباً به قلمزدن می پردازند، با نمدا پنهمزار همکار وجود داشته باشد که به پیچیده نویسنده نباشند!"

بر اساس این قول و قرارها، سوسیال امپریالیسم ابزار آلات جنگی و تجهیزات نظامی مورد نیاز رژیم عراق را به پایگاههای نظامی خود در بندر عدن (بمن حوسی) و بندر مساه (التیوی) فرستاده و تخلیه می نماید و سپس این ابزار و تجهیزات را از طریق کویت و بندر عقبه (اردن) به عراق میرساند. بدین ترتیب شوروی که فقط به منافع امپریالیستی خود می اندیشد قطعاتی بزرگی و تجهیزات نظامی ارتش صدام حسین را تامین می نماید تا رژیم عراق بتواند به جنگ ادامه دهد. اما سوسیال امپریالیسم به این غارتگریها بسنده نمیکند، او مسکود در این جنگ هیزم بیار آتش هر دو رژیم را میسازد. شوروی میدانند که سیستم ارتش ایران سیستم آمریکایی است و لسی از طرف دیگر میدانند که رژیم ایران برای ادامه این جنگ ارتجاعی به اسلحه نیازمند است. بنا بر این همانطور که شوروی در زمان شاهان به ایران اسلحه فروخت در حال حاضر نیز سعی میکنند یکی از فروشندگان اسلحه به ایران باشد. در این زمینه سبیر شوروی در ملاقات با رجا شای

بقیه از صفحه ۲۲ سخن...

ارتباط گیری توده ای، خبرنگارهای رویزیونیست ها، بزلزلات نیروهای بینا بینی (۰۰۰) ۳ - پیشنهادات و انتقادات خود را به بیکار توتوه فعالیت سازمان در میان توده ها برای ما بفرستید و توده ها شته باشید که مدتها به همه این پیشنهادات و انتقادات در بیکار به معنای عدم اهمیت آنها و بی توجهی ما نسبت به آنها نیست. ۴ - اسناد و مدارک افشاگرانه در مورد نحوه عملکرد دشمنان توده ها، رژیم، احزاب ضد انقلابی و... را برای ما بفرستید با این شرط که قید کنید این اسناد میبایند انتشار را رجسی نیز به بدینا به بیکار از نظر امنیتی اشکالی برای فرستنده اسناد با دما میکند یا نه. در اول صفحه اخباری که میفرستید، قید کنید مربوط به اخبار رگاری یا دهقانی یا

## برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

## مشتی از خروار: اشاره‌ای به جنایات بعثی‌ها در عراق

حزب بعث در سال ۱۹۲۷ در سوریه پا گرفت. بنیانگذاران اولیه، روشنفکران بورژوازی ملی‌گرا و بورژوازی بودند و آمیزه‌ای از ملی‌گراشی شونیستی، سوسیالیسم تبلیغی و اس‌اف‌ان را تشکیل می‌داد. آنها شعار "وحدت عربی، آزادی از سلطه استعماری، سوسیالیسم" را تبلیغ می‌کردند و البته مفهوم خاص آن از "سوسیالیسم" نوع غرده بورژوازی آن است. و با سوسیالیسم علمی تفاوت اساسی دارد.

آنچه در نهایت سبب این حزب نقش تعیین‌کننده‌ای داشت به اعتراف بنیانگذاران آن - میشل عفلق - ضدیت با کمونیسم و یافتن بدیل (آلترنا تیب) بجای آن بود. در این باره او گفته است:

"برای آنکه جوانان را از زیست‌بوم بی‌معنای کمونیست‌ها مانع شویم چاره‌ای جز وجود آوردن حزبی دیگر با ایدئولوژی خاص خودمان نیست و این حزب بعث است (۱). بعثی‌ها برای بدست گرفتن قدرت سیاسی، خیلی زود پیگیر نفوذ در ارتش‌های عربی و کودتا افتادند. آنها در عراق و سوریه از همین راه قدرت را بدست گرفتند و هنوز هم همین راه را دنبال میکنند. کودتا‌های بعثی نمونه‌های تاریخی از کودتا‌های خونین و وحشیانه‌ای را ارائه می‌دهد که در عین ظاهر خداستما ری و ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و با ملاح ترقی - خواهانه و سوسیالیستی، ایدئولوژی کمونیست‌ها را رگران و زحمتکشان را از "حما خون" عبور داده است. این سرخوردگی‌ها و فداکاری‌ها از غرده بورژوازی که با تکا توطئه و کودتا بر سر کار آمده و بورژوازی دولتی را مستقر کرده است شکست آور نیست.

● در فوریه ۱۹۶۲ حزب بعث در عراق (بسا همگاری برخی افسران طرفداران چپ) کودتا کرد و رژیم عبدالکریم قاسم را که نماینده بورژوازی ملی در آن زمان دارای گرایش‌های مترقیانه‌ای هم بود (اولین گام برای اطلاعات ارضی و اولین ضربه به احتکارات نفتی سوسیاله و انحصار شده بود) با خونت تمام سرنگون ساخت. و برای ایجا در عرب و وحشت در دل‌های مردم حاصله شده سران رژیم سرنگون شده را در تلویزیون بغداد به تماشا گذاشت. پیدا دگا‌ها تشکیل ندوبه تعقیب کمونیست‌ها پرداخت. ما کسیم - رودنسون در کتاب عرب و اسرائیل (مجله ۱۲۶) در این باره می نویسد:

(۱) - نقل بمفهوم از مصاحبه میشل عفلق با مجله آفاق عربیه، نشریه ثنوریک حزب بعث (عراق).

"کودتای نظامی هشتم فوریه که به "انقلاب ۱۴ رمضان معروف است موجب ساقط شدن قاسم گردید و اسم گشته شد. قدرت را یک نیروی اشتلاقی طرفداران امر (سریانت جمهوری عبدالسلام عارف) و حزب بعث (به نخست - وزیر زینال حسن البکر) بدست گرفت. بعث موقعیت بهتری داشت، نیروهای محافظه کاران بودند و ناگهانی خطر غوطه ور شدن در آشوب کمونیسم، سخت‌شادمانی کردند. یک دادگاه نظامی بعثی تشکیل شد تا کمونیست‌های مورد سوءظن و فراریان را به جنگ آورده و محاکمه کند. پنج هزار نفر به این طریق کشته شدند."

یکی دیگر از اقدامات فاشیستی بعثیها، کشتار عام کمونیست‌ها در موصل و کرکوک بود که با زدن زمان نخست وزیر البکر - که بیش از ۹ ماه نپا شد - مورت گرفت. اقدامی که تاریخ معاصر جهان در کشتار کمونیست‌ها در اندونزی و سودان از آن یاد میکند. کشتارهایی که به رویز - یونیست‌ها نیز رحم نکرد و آنها را هم از دستخ گزاند. ● بعثیها در سرکوب خلق کرد، اگر بگوئیم گوی سبقت را از همگان ربوده اند، در دبیف دیگر رژیم‌هایی که در ترکیه و ایران حقوق خلق کرد را میکشود و به سرکوب آنها پرداخته اند می باشد.

کردستان عراق، از سال ۱۹۶۸ به بعد نیز که حزب بعث مجدداً این بار بطور انحصاری قدرت سیاسی را در عراق بدست داشته، مدام در معرض سرکوب، فریب، اختناق و ستم بوده است. بعثیها وقتی در سال ۶۸ بروی کار آمدند ادعا کردند که به کردستان خودمختاری خواهند داد. رهبری عشیرتی کردها بدست یاندارت‌های ملامطقی - بارزانی بود و او پس از از نشی که با حکومت مرکزی کرد و با دو وزیر کم اهمیت در کابینه عراق شرکت نمود اجازه داد که با بدالبکر - مدام حسین از لحاظ درگیری با کردستان نفس راحتی بکشد ولی این فریب و سازش چندان نپا شد و در نتیجه عدم وفاداری رژیم به وعده‌ها بیش در مارس سال ۱۹۷۴ به درگیری کشید. مقاومت خلق کرد با سرکوب و وحشیانه و بهمانه ران روستا‌ها و محاصره اقتصادی از سوی بعثیها و روبرو گردید و قربانیان فراوان داد. ولی رهبری ارتجاعی کردها نگذاشت که این مبارزات به شمرسد و با انکاء به کمکهای شاه "دست دوستی در از کردن بسوی آمریکا و اشغالگران اسرائیلی جنش خلق کرد را به وادی انحراف و شکست کشاند. بعثی‌ها توانستند با مستمک قرارداد ان روابط بارزانی با شاه و اشغالگران اسرائیلی و آمریکا مبارزات

خلق کرد را در پهنه منطقه (و جهان) منزوی کنند و با امفای موافقتنا مه الحزای بردار ما رس ۱۹۷۵ جنش خلق کرد را برای یک مرحله با شکست روبرو کنند. هر چند این شکست قبل از همه به افتا و نابودی رهبری ارتجاعی کردها یعنی با ندلا مطلق بارزانی انجامید.

بعثی‌ها پس از سرکوب جنش خلق کرد هر چه توانستند چنایت کردند. مبارزان و کمونیست‌های را که در کشتار خلق کرد می جنگیدند با رومبار نمودند و با افرا شگرذاده، بر اساس یک سیاست شونیستی برنا مه کوجا بدن کردها از کردستان و اسکان داد آن‌ها در مناطقی دیگر عراق بویژه نواحی جنوبی را به مرحله حرا در آوردند تصور کشید و قتی نیم میلیون نفر از خلق کرد که عموماً روستایی و کشتا ورز هستند از آب و هوای کوهستانی و سرسبز و مزارع و مراتع و شیوه معیشتی - سنتی خود به مناطق صحرائی بسیار گرم جنوبی که هیچ با آن آشائنی ندارند منتقل شونده معیشتی برایشان بهار میاید. رژیم بعثی عراق این برنام را با وحشی گری تمام تا حدود زیادی به مرحله حرا در آورد و بجای کوچ داده شدگان، دهقانان مصری (قریب نیم میلیون نفر) را به کردستان گسیل داشت. بعثی‌ها بدین وسیله هم کردستان را با ملاح عربی کردند و سیاست شونیستی و نژادپرستانه خود را به نمایش گذارند و به ما دات که او را در ظاهر خائن می نامیدند کمک نمودند! اما اینکه این برنامتا چه حد به پایان خود نزدیک شده ما فعلاً خبر نداریم ولی این برنامتا خود دانت و سادت عملی میشد.

ادامه درگیری با خلق کرد و سرکوب آن‌ها طی سالهای متعادی و تبلیغات شونیستی رژیم ارتجاعی حاکم و خونخواری که از دو طرف کرد و عرب در این جنگها ریخته شده در روحیه افسراد نا آگاه عراقی چنان حالتی بوجود آورده است که مثلاً برخی از مردم عادی در تبریز از شخصی میگویند: "فلانی خیلی شجاع است او بدست خود چند کدر را کشته است و عکس این مطلب نیز محبت دارد! آری برپا کردن آتش کینه و نفای بین زحمتکشان از اهداف و دستاوردهای رژیم‌های بورژوازی و ضد خلقی است. امری که در ایران هم در نتیجه عملیات سرکوبگرانه و کشتارهای نظیر فله لانا و قارنا و سماران دهکده‌های کردستان توسط رژیم جمهوری اسلامی و تبلیغات نفرت افکنانه‌ای که رژیم انام میبدهد بدان دامن زده میشود.

● زنده انهای عراق و محاکمه ها دانست. ان

تحاو زات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم!

## بلیه از صفحه ۲ وظایف...

با این گرایشات، خود را در سطح توده ها مطرح سازد. اگر چه مدتها مانگ سکتا ریم برای این حرکات پیشرو که در خدمت بر خورده با اکثریت است به مبارزه طبقه ای جاری بود، زده شد. اما امروز بسیاری به اشتباه خود پی برده اند و خود در جهت همین خط حرکت میکنند. بی آنکه دست به اشتقاق از خود بزنند (حرکت با زمان رزمندگان در مورد مسئله تشکیل دانشجویان هوادار، نشریه فابریک و تکیه بر فعالیت مستقل از این جمله است).

بنا بر این چه در را بطله یا مبارزه با طبقه ای (ضرورت آلترنا تیو کمونیستی برای توده ها) چه در را بطله یا جنبش کمونیستی (ثبوت بخش پیگیر جنبش کمونیستی) و تضعیف و غنشی با غنن گرایشات روبرو یونیستی و جلب توده های بیشتری به سمت بخش پیگیر (چه از کانال مبارزه ایدئولوژیک و اصلاح آنها، چه از طریق جلب توده های آنها بطرف سازمان) آری با تکیه بر این ضرورت های انگارنا پذیر است که میگوئیم تبلیغ و ترویج مواضع سیاسی - ایدئولوژیک سازمان و گوش در جهت مطرح ساختن سازمان بهما به یک آلترنا تیو در میان توده ها، با تمام قوا، بدون درنگ و ترس از "انگ سکتا ریم یکی از حیاتی ترین وظایف رفقا است".

از این لحاظ کلیه رفقا با بدیش از پیش نسبت به مواضع سیاسی - ایدئولوژیک سازمان آگاهی یافته و با تمام قدرت به تبلیغ و ترویج آن و مبارزه ایدئولوژیک با گرایشات انحرافی چه در جنبش طبقه کارگر و توده های زحمتکش و چه در جنبش کمونیستی بپردازند مبارزه ایدئولوژیک هیچگاه نباید در سطح جنبش کمونیستی محدود بهمانند چرا که برخی از نیروها (همچون فدائیان اکثریت) نفوذ قابل توجهی در جنبش خلق دارند و از اینرو مبارزه ایدئولوژیک با آنها در سطح جنبش خلق (اگر چه مدتها تبلیغی) و افشای آنان از اهمیت بسیاری برخوردار است. بنا کمونیست ها نباید با اجازه بدیم (و این امر از طریق مبارزه فعال خودمان در جنبش و افشای آنها امکان پذیر است) که روبرو یونیست ها و سازشکاران با نظریات غدا انقلابی و سازشکارانه - شان با ردیگر توده از بند توهم رسترا به زیر بوغ بورژوازی داخلی و بین المللی بگشایند. رفقا نباید خط روبرو یونیسم را که میتواند بسیار دیگر همچون سالهای ۲۲ جنبش توده ای را به شکست بگشایند دست کم بگیرند و در افشا و مبارزه ایدئولوژیک سیاسی آنان دچار سهل انگاری و ساده اندیشی شوند. (ادامه دارد)

در این مقاله به همین اشارات کوتاه اکتفا میکنیم. طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ما خود را همیشه با استراتژیک طبقه کارگر و زحمتکشان عراق میداند و وظیفه خود میداند که از آنان حمایت کنند و تمهیدی که نیروهای کمونیستی و انقلابی عراق نیز در مواضع سیاسی خود آن را نشان داده اند.

از آن در عراق هم لحاف ملانصرالدین است. بعضی های عراق همواره تندترین شعارها و سازشنا پذیرترین حرفها را در رابطه با فلسطین مطرح کرده اند بطوریکه گاه از خود فلسطینی ها هم که ما احب اعلی قضیه اند، جلوزده اند. بعضی ها از سالها پیش خواسته اند "انقلاب" خود را به فلسطین هم "ما در کنند" و یک بانند بعضی را در درون جنبش فلسطین گاشته و آنرا "جنبه آزادیبخش عربی" نامیده اند. کوششی که رژیم جمهوری اسلامی ایران هم با دیدگاه اسلامی خود در فکر انجام آن است. بدور انقلاب اسلامی به فلسطین و راه انداختن یک باندا لت دست و تحمیل آن به انقلاب این کوشش تاکنون در نتیجه آگاهی فلسطینی ها نا موفق بوده و لسی این تلاش ادا نمیدارد. ما نسبت به این توطئه هم به فلسطینی ها هم به توده های انقلابی ایران هشدار میدهیم.

نمونه بار زرفریکاری بعضی ها در رابطه با حمایت از انقلاب فلسطین موضع آنها در سبتمبر ۱۹۷۰ است. توضیح اینکه پس از زوشتن سال ۶۷ طبق توافق سران عرب، عراق یک لشکر مجهز در مرزهای فلسطین اشغالی در خاک اردن مستقر کرده بود که با صلاح در برابر دشمن اشغال - گرا حقوق اعراب دفاع کند. اوگیری جنبش مقاومت فلسطین و موج حمایت از آن از طرف توده های عرب رژیم یعنی عراق را که از ژوئیه ۶۸ بر سر کار آمده بود به ادعاها و تبلیغات دهن پرکن بیشتری گشاد. بهنگام درگیری بین انقلاب فلسطین و ارتش ملک حسین رژیم عراق که با صلاح خود را "ترقی درجه ۱" میدانست اعلام کرد که لشکر مستقر در اردن در اختیار فلسطینیها خواهد بود. اما تعجب نکنید اگر بگوئیم که این لشکر بنا به دستور رهبری حزب بعث در بغداد است تنها به حمایت از فلسطینی ها برخاست بلکه از مواضع خود عقب نشینی هم کرد تا راه را برای توطئه ارتش اردن جهت زیر آتش قرار دادن اردوگاه های آوارگان فلسطینی باز کند. عراقیها را هم آشی را هم مین گذاری کردند تا اگر ارتش سوریه خواست به نفع فلسطینی ها مداخله کند نتواند! این جنایت به ما له فلسطین را همه اعراب بنا رژیم البکر - عدا حسین به ثبت رسانده اند!

در عراق از سال ۱۹۲۰ بعد کوره مبارزه طبقاتی همواره داغ بوده و توده های زحمتکش و بویژه طبقه کارگر و نیروهای انقلابی و کمونیست هرگز دست از مبارزه سیاسی امان نکشیده اند. زحمتکشان عراق علیرغم شکستها و فریبها و لیا نیهای روبرو یونیست ها که همین رژیم عدا مترقی و انقلابی ارزبایی میکردند و هنوز هم سوبال امیر با لسم شوروی با همین تعلیل و توجیه آن را مورد حمایت قرار میداد، به مبارزه خود ادامه میداد. زحمتکشان عراق از رهبری نیروهای مذهبی هم خبری ندیده اند بلکه بسیار دستشان سوخته است. ما این را در مقالات دیگری به تعمیل نشان خواهیم داد.

دیگری دارد. شکنجه و آزارهایی که کمتر کسی سالها از آنها بیرون می آید. رژیم یعنی هانقدر وقیح و در اعمال فاشیستی خود بیشتر است که هرگز اجازه نداده است یک هیات بین المللی از زندانیهای مخوف آن دیدن کند. هرگونه مخالفتی، هرگونه گزارش از زندانیهای پلیسی بعث علیه شخص کافی است تا او را به سپاه جاسی بیا نندازد که بیرون آمدن از آن به هیچ وجه و طبق هیچ قانونی تضمین نیست. تعقیب و مراقبت گزارشهای پلیسی، وجود یک سپاه از مزدوران امنیتی مسلح به سلاحهای کمری که در هر کوی و برزن پراکنده اند، پربودن زندانیها و شکنجه های قرون وسطایی - که مورد تجاوز جنسی قرار گرفتن یکی از آنهاست - محاکمه های که زمان آن گاه به چند ساعت و با کمتر تقلیل می یابد و جوبه های دار و جوبه های اعدام ۱۰۰۰ اینها از عوامل تثبیت پایه های لرزان حکومت فدخلی یعنی ها طی چند سال گذشته بوده است. اما آیا رژیمها که حکومت خود را بر سر کوب خلق ها و نیروهای انقلابی و مترقی بنا میکنند، بهمانند کسی نیست که شالوده ها نه را بخواست برپا دهد یا نه؟ یک کارگر کمونیست عراقی که سالها در زندان بوده برای یکی از رفقای ما نقل کرده است که در دوره اول حکومت یعنی ها او را همراه با صدها تن از محکومین به اعدام با قطار بسوی بصره می بردند. آنها را دروا گونهای بسیاری همچون لاشه روی هم انباشته و با هم در آن گرمای طاقت فرسا به آنها نمیدادند. هدف این بوده است که اگر در سبب راه تلف شدند چه بهتر و اگر نشدند در سبب با نه ای نزدیک بصره همه را سرب - نیست کنند! این جنایت هولناک که انجام آن بوسیله بورژوازی و نیروهای فدخلی امیری غیر منتظره نیست به داستان اعدامهای دسته جمعی یهودیان در کوره های آد مسوی آتویتیست در دوره نازیها شباهت دارد. رفیق کارگر عراقی میگفته است که "در نزدیکیهای بصره و پس از آنکه چندین نفر از ما را ن سپرده و بقیه کمتر رفقی از آنها مانده بود بوسیله عده قابل توجهی از مردم صوب عراق که از این کاروان مرگ خبردار شده و برای جلوگیری از این جنایت به بیابان آمده بودند و با هر وسیله ممکن راه را بر قطار بستند تا با فتنیم."

● خلقان، ممنوعیت آزادی بیان و قلم مگر آنچه به نفع حزب بعث است. فربیکاری و "انقلابی" نشان دادن برخی اطلاعات که در واقع بعنوان ممکن تحت فشار مزارع و خواستهای توده های زحمتکش عملی شده است، وجود سرباهای تبلیغاتی گسترده ای که جهت منحرف کردن از مسائل اصلی و به فساد کشیدن جامعه موزت می - گیرد، نمونه دیگری از عملکردهای فدخلی رژیم بعثی عراق است.

● در پایان این اشارات کوتاه، به موضع گیری بعث درقبال مسئله فلسطین هم اشاره ای میکنیم و تا کید میثما شیم که قضیه فلسطین و حمایت

## حزب توده و مسئله عراق: تجسمی از بوقلمون صفتی و ابن الوقتی!

جمهوری سوسیالیستی متحد عربی، مصر  
(عجب سوسیالیسمی!) میباشد که دارد  
شاهراه سوسیالیسم شده و کشورهای سوسیالی،  
عراق، سوریه، لیبی، برمه در این راه به  
موفقیت‌های بزرگی دست یافته‌اند.

بعثیها:

از "دموکرات" و "سوسیالیست"  
تافاشیست و نوکر امپریالیست!

"توده‌ای‌ها" در مجله "دنیا" اسفند ۵۳  
عراق را جزئی از سیستم سوسیالیستی جهان  
ارزیابی میکنند:

"تحول روابط ایران و عراق را فقط وقتی  
میتوان بدرستی درک کرد که آنرا در مقطع  
مناسبات بین المللی و مبارزه میان دو  
سیستم سوسیالیستی و امپریالیستی طرح  
کنیم... هم‌اکنون که گفتیم خصومت دولت  
ایران با دولت عراق ناشی از تفاوت‌های  
میان آنهاست... دولت کنونی عراق که  
در ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ بهرکار آمد در نتیجه  
مبارزات داخل حزبی و تحولات خارجی  
بتدریج در مضمون مترقی خود را رخ توشه از  
همان روزهای نخستین استقرار حکومت  
احمد حسن البکر یکی از هدفهای آن حل  
مسئله کرد بود. (البته حل مسئله کرد از  
طریق بمباران خلق ستمدیده کرد با میم‌های  
روسی - پیکار)... همه میدانند که دولت  
شوروی با دولت عراق دارای قرارداد دوستی  
و کمک متقابل است. هیچکس نمیتواند  
دولت شوروی را از کمک بدولت عراق منع  
کند."

اما بتدریج رژیم بعث روابط خود را با  
امپریالیست‌های غرب افزایش میدهد و روابط  
با شوروی نیز بالطبع کمتر از سابق میشود.  
فاشیست‌های بعث که با کمک سلاح‌های شوروی و  
تسلیمات روبریزونیست‌های عراقی حاکمیت خود  
را مستقر کرده اند به "دوستان" خود هم رحم نکرده و  
شروع به کشتار روزندانی کردن روبریزونیست‌ها  
هم میکنند، در اینجا نیز "حزب توده" مانند پیک  
دما سنج منظم میزان تشویر روابط عراق و شوروی  
را منعکس میکند، در دنیا شماره ۱۱ - ۱۰ دی -  
بهمن ۵۷ آنها نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست  
عراق به مقامات حاکم آن کشور چاپ میکنند،  
این نامه نشان کامل در بزرگی روبریزونیست‌ها را نیز  
- ست. از کمیته‌های روبریزونیست‌ها را نیز  
بقیه در صفحه ۱۶

خاش و فروش اسلحه به ارتش فدا خلقی اش باشد،  
اقدامات شاه مثبت میشود و اگر شاه خاش بعوان  
کارگزار امپریالیسم آمریکا با شوروی در بیافتد  
خاش میشود. اگر سیاست شوروی زمانی حمایت  
از شاه و از این روایت با مخالفین شاه است،  
آیت الله خمینی "مرتجع" میشود و روبریزونیکر که  
شوروی میخواهد تئور را برای رژیم جمهوری  
اسلامی بگستراند، خمینی انقلابی و غم  
امپریالیست میشود و قس علیهذا...

عراق نمونه درخشان

راه رشد غیر سرمایه داری!

در مورد عراق نیز همینطور است، زمانی که  
میک‌ها و سلاح‌های مدرن روسی به رژیم فدا خلقی  
بعث عراق داده میشود تا سینه خلق قهرمان کرد  
عراق را هدف قرار دهد و مستشاران روسی خود  
مستقیماً هدایت جنگ بر علیه کردهای عراق را  
در دست دارند و نیز با زارهای عراق نیروی  
کالاهای روسی گشوده شده است، "حزب توده" برای  
خوشایند به میم‌های عراق میگوید: آنها دولت  
فاشیست بعث عراق را "دولتی ملی و دموکراتیک  
مینا منده که بطور مالمات میزبوی سوسیالیسم  
روان است" (۱۰).

عراق را نمونه درخشانی از استقرار  
سوسیالیسم توسط راه رشد غیر سرمایه داری  
نامیده و در مجله مسائل بین الملل خود از  
قول روبریزونیست‌های عربی در مورد فاشیست‌های  
بعث چنین میگویند:

"حوادث اخیر نشان داد که جبهه‌های ملی  
موجود در عراق و سوریه بهترین شکل اتحاد  
توده‌های مردم و کلیه عناصر میهن پرست  
هستند" (۱۱).

منظور از جبهه ملی، جبهه‌ای است که  
روبریزونیست‌های عراقی ("توده‌ای‌های عراق")  
با بعثی‌های خاش ساخته بودند.

سوسیال امپریالیست‌های روس سال‌ها  
تبلیغات زیادی در مورد "سوسیالیسم بعث" راه  
انداخته بودند، نشریه روسی "ایدئولوژی، سیاست  
و اقتصاد آفریقا" انتشارات پروگرس ۱۹۷۵  
می نویسد:

"نمونه کشورهایی که از این طریق (راه رشد  
غیر سرمایه داری) به سوسیالیسم رسیده اند،

- (۱۰) - ما شوخیسم و با زتاب آن در ایران،  
صفحه ۱۱۷
- (۱۱) - مسائل بین الملل، شماره ۱۰ فروردین  
- اردیبهشت ۱۳۵۲

روبریزونیست‌ها گلبا دهستند، بهر سو که با د  
می وزد روان میشوند، آنها ما مولکهای هستند  
که در آفتاب برونگ نور در می آیند و در سایه خود  
را بسپا می میزند و در میان درختان نیز سبز  
میشوند. آنها میتوانند روزی از املاحات ارفسی  
شاهانه دفاع کنند (۱)، روبریزونیست‌های شاه  
خاش را مثبت بنامند ("سیاست دولت ایران در  
ارتباط با تجاوزات بین المللی امپریالیستی  
در عراق و میان، در ویتنام... بطور نسبی مثبت  
است") (۲)، و بگویند تا با کشتن او بسوی  
شوروی "راه رشد غیر سرمایه داری" را در ایران  
برقرار نماید و روبریزونیکر او را خاش و لایق  
سرنوشتی بنامند. روزی آیت الله خمینی را  
"مرتجع" بنامند (۳) و روبریزونیکر او را بزرگترین  
انقلابی جهان، روزی با زرگان راستایش کنند  
و خواهان همکاری فعال خود با این نخست وزیر  
با صلاح انقلابی شوند (۴)، و روبریزونیکر او را لیرال  
بخوانند، روزی نیز راستایش کنند و انتصاب  
او را با مقامات سیاست صنعت نفت از بهر ترس  
انتخابات "دولت انقلابی" قلمداد کنند (۵) و  
روبریزونیکر او را به بگویند که از اول با او مخالف  
بودند، روزی مدعی جلاد را بعنوان یک قهرمان  
انقلابی و غذا امپریالیست "مستاپند" (۶) و روز  
دیگر به او شهادت میدهند، روزی داوود خان  
افغان را "سوسیالیست" بنامند (۷) و روبریزونیکر  
او را مرتجع، روزی برای حفیظ الله امین هورا  
بگویند (۸) و روبریزونیکر او را آمریکائی قلمداد  
کنند (۹) و روزی...

"حزب توده" هر روبریزونیکر ساز میرصد، منتهی  
سازن او همیشه یکی است:

سوسیال امپریالیسم روس

سیاست‌های امپریالیستی روسیه تمهیدین  
کننده سیاست‌های "حزب توده" است و راستا قش  
و هر روبریزونیکر رنگ و لباس در آن حزب توده، در  
همین جاست. اگر سیاست شوروی نزدیکی با شاه

- (۱) - دنیا، دوره دوم، سال هفتم شماره ۳ و نیز  
پیاپی ۱۰۰۰ اکندری بعنوان دبیرکل حزب به  
کنگره دهم حزب روبریزونیست بلغارستان.
- (۲) - نقل از مصاحبه داوود نوروزی عضو کمیته  
مرکزی با نشریه فاشیت وابسته به حزب  
روبریزونیست آلمان غربی، آوریل ۱۹۷۲
- (۳) - تاریخ نوین ایران از انتشارات حزب  
توده، صفحه ۲۲۳ و ۲۵۹
- (۴) - مردم در شش ماه پس از قیام بهمن.
- (۵) - مردم شماره ۱
- (۶) - مردم، ماه‌های مرداد و شهریور ۵۸.
- (۷) - مسائل بین الملل، ۳ تیر ۱۳۵۶
- (۸) - مردم ۲۸ آذر ۵۸
- (۹) - مردم ۱۰ دی ۵۸

## روبریزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

## کمکهای مالی دریافت شده

| ن      | ل     | ع     | ج     | ت      |
|--------|-------|-------|-------|--------|
| ۱۳۵۰۰  | ۱۹۵۰۰ | ۸۰۰۰  | ۹۰۰۰  | ۱۸۳۰۰  |
| ۱۹۰۰۰  | ۴     | ۹۵۰۰  | ۸۵۰۰  | ۱۴۹۹۰  |
| ۲۲۱۰۰  | ۱۵۵۰۰ | ۱۲۲۰۰ | ۳۱۰۰۰ | ۱۵۱۰۰  |
| ۵۹۰۰   | ۷۳۰۰  | ۲۰۰۰  | ۱۲۹۹۰ | ۲۶۰۰   |
| ۱۵۱۰۰۰ | ۷۴۰۰  | ۸۶۶۰  | ۳۱۹۰  | ۳۷۰۰   |
| ۱۱۳۰۰  | ۷۰۰۰  | ۳۰۰۰  | ۳۱۹۰  | ۲۴۰۰۰  |
| ۲۹۰۰   | ۲۷۰۰  | ۶۰۰۰  | ۱۲۳۰۰ | ۵۱۰۰۰۰ |
| ۱۲۰۰۰  | ۷۲۰۰  | ۶۲۳۰  | ۳۲۲۰۰ | ۱۲۲۰۰  |
| ۵۵۰۰۰  | ۶۰۰۰  | ۶۷۰۰  | ۹۸۰۰  | ۱۱۲۰۰  |
| ۱۲۲۰۰  | ۱۱۵۰۰ | ۱۱۹۹۰ | ۸۳۰۰  | ۳۶۰۰   |
| ۱۱۱۰۰  | ۱۲۹۰۰ | ۱۲۹۹۰ | ۴۲۷۰۰ | ۵۰۰۰   |
|        | ۳۷۰۰  | ۱۲۹۹۰ | ۱۹۱۷۰ | ۹۲۰۰   |
|        | ۷۹۰۰  | ۵۰۰۰  | ۱۴۴۰۰ | ۹۶۰۰   |
|        | ۱۲۰۰۰ | ۹۶۶۰  | ۳۱۰۰  | ۹۰۰۰   |
|        | ۱۱۰۰۰ | ۷۱۱۰  | ۳۱۰۰  | ۲۵۰۰   |
|        | ۵۳۳۰  |       |       |        |
|        | ۲۱۰۰۰ |       |       |        |

- ۱- رفیق مادرع ۱۰۰۰ ریال.
- ۲- رفیق افراتسه ۲۰۰۰ ریال.
- ۳- رفقای کارگران هوارا ۱۰۰۰ ریال.
- ۴- رفقای هوارا از زمین ۵۰۰۰ ریال.
- ۵- الف - ی از سراب ۱۰۰۰۰ ریال.
- ۶- بخش کارگری غرب تهران ۲۲۰۰۰ ریال.
- ۷- رفقای هوارا از زمین جنوب غرب تهران ۵۰۰۰ ریال.
- ۸- رفقای هوارا از کرک ۹۰۰۰ ریال.
- ۹- رفقای هوارا از بازی آبا تهران ۱۰۰۰۰ ریال.
- ۱۰- رفیق از بازی آباد ۱۵۰۰۰ ریال.
- ۱۱- رفیق (ب) - ه ۳۰۰۰ ریال.
- ۱۲- م سب (برای کودکان) ۱۸۰۰۰ ریال.
- ۱۳- رفیق هوارا از مسجد سلیمان ۵۰۰۰ ریال.
- ۱۴- رفیق معلم ۱۱۳۵۰ ریال.
- ۱۵- رفقای معلم هوارا (گیلان) ۶۰۰۰ ریال.
- ۱۶- م (کارگران زشت) ۱۰۰۰۰ ریال.
- ۱۷- م - ل (مادران گیلان) ۵۰۰۰ ریال.
- ۱۸- رفقای هوارا از زمین در انزلی ۱۵۰۰۰ ریال.
- ۱۹- دانشجویان و دانش آموزان هوارا از زمین ۱۰۰۰۰ ریال.
- ۲۰- رفقای محلات (انزلی) ۵۰۰ ریال.
- ۲۱- ر - شادی ۲۰۰۰۰ ریال.
- ۲۲- م (کارمندان زشت) ۲۸۰۰۰ ریال.
- ۲۳- ن (انزلی) ۱۰۰۰۰ ریال.
- ۲۴- رفقای هوارا (لاهیجان) ۳۷۰۰۰ ریال.
- ۲۵- رفیق دانش آموز ۳۰۰۰۰ ریال.
- ۲۶- رفیق ع (راهنده) ۵۰۰۰۰ ریال.
- ۲۷- رفیق درین (گیلان) ۵۰۰۰ ریال.
- ۲۸- مسافر (لاهیجان) ۲۵۰۰۰ ریال.
- ۲۹- رفقای هوارا (لاهیجان) ۳۲۵۰۰ ریال.
- ۳۰- رفقای دیپلمه از جنوب ۵۰۰۰ ریال.
- ۳۱- رفیق هوارا از جنوب ۱۰۰۰۰ ریال.
- ۳۲- رفیق دانش آموز از هوارا ۱۵۰۰۰ ریال.
- ۳۳- رفیق م - مازا هوارا ۱۹۰۰۰ ریال.
- ۳۴- رفیق آرم ۶۵۰۰۰ ریال.
- ۳۵- رفیق ب ۲۱۴، کمک مالی ات رسید.
- ۳۶- رفقای (دانشو)، کمکهای داروئی و مبلغ ۲۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
- ۳۷- رفقای (۵۵-۸۸)، (الف از زشت)، (غ- ۳۱)، هدیه شما رسید.
- ۳۸- روستائیان مبارز آبادی (س- ت) اطراف کامیاران مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما به سمنگران سازمان رسید.
- ۳۹- رفیق (ک) هدیه شما به سمنگران سازمان (منطقه کامیاران) رسید.
- ۴۰- رفیق هوارا از روستای کلیکان (مازندران) مبلغ ۲۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۴۱- رفیق دانش آموز (و- ۷۱) کمک مالی ات رسید.
- ۴۲- رفیق دانش آموز (س- ر) از روستای قهابکتی با ماهای کوتاه و مصیبتی برای سازمان فرستاده که با آرزوی موفقیت برای اوقسمتی از شما معاش را در برمی آورم.
- ۴۳- من یکی از هوارا از سازمان بیکار هستم و این مبلغ را به سازمان بیکار تقدیم عرض می نمایم و مدوام هر چه زودتر از سمنطرا سرما به داری و ایستگاه گردیم.

دیت به اقدامات مختلفی زد و از جمله شروع به اخراج کارگران مهاجر فرانسوی مسود (در فرانسه) ۳ میلیون کارکن مهاجر فرانسوی وجود دارد) این دولت برای اجرای این تصمیم ارتجاعی و اخراج کارکنان کمالهست در فرانسه استثمار می شوند و با طریقی کار را می خود را از دست می دهد به یاری کشورهای عرشی موطن این کارگران نیازمند بود که اخیرا در این مورد با دولت الجزایر توافق رسید. دولت فرانسه یک بودجه ۷۰۰ میلیون فرانکی برای اخراج ۳۵۰۰۰ کارگران مهاجر در سه سال آینده اختصاص داده است و تصمیم به پرداخت ۱۲۸۰۰



## مبارزات طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی هر روز گسترده تر میگرد

مبارک به هر کارگر (هر فرانک = ۱۷ ریال) برای خروج از فرانسه بدون حق بازگشت به آن کشور دارد. کارگران در فرانسه از زمان بدو شروع اخراج کارگران مهاجر از فرانسه مبارزات گسترده ای علیه دولت امپریالیستی فرانسه آغاز کردند که همچنان ادامه دارد.

### فرانسه

اعتصاب و تحصن در بسیاری از کارخانه های منطقه لو آرگسترش یافته است. کارگران مبارز از جمله کارگران کارخانجات نسو (از بزرگترین سازندگان اتومبیل در اروپا) برای بهبود شرایط کار و افزایش دستمزدها اعتصاب و تحصن ادامه می دهد. علمای عمیاسات سازکارانه رهبران سندیکا های رفرمیستی و روستونیستی فرانسه، پروتسای فرانسه همچنان به سخت زرمندگمون یا رسی وفادارند.

## زنان کارگر، تولید را در دست میگیرند

۳۱۸ کارگر زن "موسسه لباس دوزی نرل" در اورلئان (فرانسه) پس از ۴ ماه اشغال کارخانه اقدام به تولید مستقل کردند. در ماه مه بدستال اقدامات مدیریت کارخانه جهت مدرنیزاسیون موسسه که سکای کارگران را بدستال داشت، زنان کارگران موسسه اقدام به اشغال کارخانه کردند. این کارخانه از موسسات مهم لباس دوزی فرانسه است و برای موسسه بی سرکاران طراح معروف فرانسوی لباس های گران قیمت تهیه می کرد.

از انتشارات جدید سازمان

لنین درباره جنگ مجموعه مقالات (۱)

قیمت ۴۰۰

### ایرلند

اعتصاب رانندگان و توزیع کنندگان بنزین بسیاری از موسسات نفتی ایرلند چهارمین هفته خود را پشت سر گذاشت. کارگران اعتصابی خواهان بهبود شرایط کار و افزایش دستمزد در مقابل افزایش بیش از حد قیمت ها هستند.

### ایتالیا

## اعتصاب کارگران فلزکار

کارخانه اتومبیل سازی فیات برای مقابله با بحران اقتصادی گریبیا نگر موسسه، تصمیم به بیکار کردن ۱۴۵۰۰ نفر از کارگران کارخانه های فیات گرفته است. روز ۲۵ سپتامبر کلیه کارگران صنایع فلزی ایتالیا برای اعتراض به این تصمیم در کارگری سرما به داران ایتالیا - فی، یک اعتصاب عمومی اعلام کردند. در همان روز کارگران تا ساعات فیات در پیمه - م (مهمترین کارخانه فیات) یک اعتصاب عمومی اعلام نمودند. بهمن منظور از طرف کارگران مبارز ایتالیا فیات دو خط هرات عظیم یکی در ناپل و دیگری در تورینو (مراکز مهم گروه فیات) انجام گردید. مبارزه کارگران ایتالیا بی سرعلیه اقدامات غذا رگری کارخانه فیات همچنان ادامه دارد.

ایتالیا - بدستال اعتصابات و خط هرات کارگران فلزکار ایتالیا در پشتبانی از کارگران فیات و اعتراض به اخراج ۱۴۵۰۰ کارگر کارخانجات فیات، کارگران مبارز فیات در شهر تورینو با معامره کارخانه بیکار کردن تعداد زیادی از کارگران به اعتراض خود ادامه می دهند.

### فرانسه

## اخراج کارگران مهاجر

بدستال سفر ۴۸ ساعته وزیر خارجه فرانسه به الجزایر، بند و کشور در مورد بازگشت کارگران الجزایری از فرانسه به موافقت رسیدند. دولت امپریالیستی فرانسه از چندین سال پیش برای رها نمودن خود از بحران های اقتصادی، درونی

(قسمت پنجم)

**رفیق تو آب:** یاد بگیرم که شما سهای من بسا  
آیت الله خمینی در نפת در سالهای ۴۹ تا ۵۳  
بنما بدنگی از سا زمان معا هدین خلق ایران ،  
اولین تما س مستقیم من با آیت الله نبود .  
قبلا در سالهای ۴۰ تا ۴۲ چندین بار از طرف انجمن  
اسلامی دانشجویان و دانشجویان "نهیفت زادی" بسا  
مستهدین معروف وقت منجمله آیت الله خمینی  
ملاقات کردیم . در آن زمان انجمن اسلامی  
دانشجویان یک شه د دانشجویی با گرایشهای  
دمکراتیک بود . معا هد شه د حنیف نژاد من عز  
شورای مرکزی انجمنهای اسلامی دانشگاه بودیم  
و اعلامیه های ما دمکراتسم انقلابی اقتدارتوسط  
ما معا در آن زمان رابوخی نشان میداد و  
بهمنین لحاظ برای برخی از همفکران ما و سا ران  
نهیفت زادی نشندروانه علوه میگردد . ما در نهیفت  
آزادی نیز همرا با حوا تان پرشوری از کا درها  
و امای نهیفت بودیم که بسا ست رفرمیستی رهبری  
رانی توانستیم همگنیم و بهمنین دلیل وقتی  
امای هیئت اجرایی نهیفت در اول خرداد ۴۲  
دستگیر شدند و معا لیت تبلیغی و افشاگرانیه  
نهیفت بعدا ما افتاد ، اعلامیه های صریح و تشدی  
مشغلا علیه شاه ، بنما نهیفت ما در میکردیم که  
موردا اعتراض برخی از مسئولین نهیفت قرار  
میگرفت ولی ما به کارمان ادا ما میدادیم .  
این وضع تا اوایل سال ۴۳ ادا ما یافت  
و من همرا با دوسه نفر دیگرا مشورت یکی از  
مسئولین نهیفت وگا معا س با زندان ، به انتشار  
دفایعات نهیفتی ها در دادگاه ، صدور اعلامیه های  
افشاگرانیه ، تدوین و نشر برخی جزوات مبارزاتی  
که مشغلا املاح طلبی را رد میکرد و تا ه را مورد  
حمله قرار میداد و همگاری با دیگر نیروهای  
مبارز میسر داشتیم و البته زکا درهای باقی -  
ما ندو همدا ، ا ران نهیفت همدا رین راه کمک  
می گرفتیم .

ما شکل ابتدائی خود را میگردانند و از حدود طبقاتی وایدئولوژیک خود البته نمیتوانست فراتر برود، روی این مسائل تا کیمد میوزیدم، مسائلی که نشان دهنده تنوع برخورد و مستگیری فکری و مبارزاتی مادران سالهاست:

۱- "البته تیز حمله باید متوجه آمریکا و اسرائیل و عمال آنها در ایران باشد و مسائل حزبی نظیر انجمنهای ایالتی و ولایتی قابل طرح نیستند."

۲- "روحانیت مبارز و "جنبش اسلامی" باید از حالت خود بخودی بیرون بیاید و ضروری است که تشکیلات داشته باشد."

۳- "در برابر دشمنان مردم" باید برخوردی

منافع واقعی توده‌ها کاری نتوانسته‌اند انجام دهند حتی در تئوری هم مطرح نکرده‌اند و برای جزایب ندارند. ما بهیت طبقاتی آنان وایدئولوژی‌شان را اجازه نمی‌دهیم که با فراتر گذارده شود. امروز برنا ما می‌مورد نیاز توده‌هاست که بتواند دنیا را با ما معمار متناوب با مرحله کنونی از تاریخ نگاه حل کند. یعنی برنا ما مبارزه جهت اعلا، سلطه امپریالیسم و احیای حکومت کارگران و زحمتکشان، سمبکری به سمت انفا، اشتغال روستایی با معادله کردن طبقات از بین رفته باشد. مفهوم بی برنا می‌تواند بودن رژیم جمهوری اسلامی را در همین ماهیت ارتجاعی طبقه کارگر و ایدئولوژی آن برای حل مسائل

مستطاب عصر کفونی با بد جستجو کرد، عززی که  
داتی این رژیم است.

پس از مرداد ۴۲ تلاش‌های جوانان مبارز نهضت آزادی برای بیرون آوردن آن از زیر میسر میسر شده و تشکیل مجدد، عمیق‌تر و به همین لحاظ بود که پس از تشکیل هشتاد و یک ساله سازمان مجاهدین خلق ایران، من‌بعد پیوسته و همان یعنی سازمان را که اسلامی و انقلابی می‌باشد، مستقیم قبول داشتیم. ما به مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده‌ها و شاه و رها شدن مردم از جنگش می‌بینیم. ما می‌اندیشیدیم و در راه آن فعالیت میکردیم و مسلم است که به پیشرو و شعار عمل ما از حیثه ما نیست طبقه‌ای و شرایط خاص ما را می‌بینیم. ما نمیتوانستیم فواید و ضرورت‌های رژیم را به هم بود که ما برداشته‌ایم و متوجه آن‌ها از اسلام می‌شویم. من مدت یک سال از نیمه ۴۲ تا نیمه ۴۳ تمام وقت به کار مبارزه پرداختم و مخفی بودم و پس از پیوستن به سازمان مجاهدین و چند سال فعالیت انقلابی در سنگر مجاهدین خلق، در آغاز فروردین ۴۹ هجری و پس از هشتاد و یک سال سازمان مرکب از مجاهدین و رسول متکین فام، یک رفیق دیگر و من برای مذاکره و برقراری تماس با جنبش مقاومت فلسطین و تدارک آموزش نظامی بطور ناچاق و از مرز جنوب، به خارج از کشور رفتم و در نیو دال ۹ سال تمام (قریب ۶ سال در سازمان مجاهدین و یکم بقیه) ۳ سال در بخش متشعبان (بنا به دستور سازمان در خارج کشور) به وظایف انقلابی و تشکیلاتی خود مشغول بودم.

انقلابی داشتند اصلاح طلبانه". البته خوانندگان بیکار اگر قسمت‌های قبسی معاویه را مطالعه کرده باشند می‌توانند درک کنند که ما این پیشنهادها را در چه حوضی مطرح می‌کردیم، جوی که در فرامیسم و زنجاری بران مسلط بود.

۴- "ایدئولوژی و برنا ما اسلامی بخصوص در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی بدون شده است" و در این باره ما از آیت‌الله جاره - جوئی می‌گرددیم، ما پس از ذکر تلاشی که خودمان بکمک کسانی امثال آیت‌الله طالقانی، غفوری و طهری انجام داده بودیم به آیت‌الله گفتیم که "برنا ما" خوانان مطلقان "در مقایسه با برنا ما - های سائیر مکاتب فکری (بشمیر آنروزمان) دارای نقص فراوان است و آیت‌الله در جواب گفت که "تلاش ما در این جنبه نیست، اسلام‌پرا می‌همه چیز برنا ما دارد".

اکنون به‌نیم‌این برنا مه از جنوعی است؟  
این برنا مه با مرحله دیگری از کا مسل  
تاریخی به‌ترکه دورانی سیری شده می‌توانسته  
منطق با شدره بران اسلامی برنا مه دارند، اما  
مربوط به‌کدام زمان؟ کتا بهای فقهی اسلامی  
(ویژه شیعی) برای دوره برده داری و فئودالی  
فقهی هم برنا مه دارد. از آداب فتن گیر نا  
مه ملاط و حزا، طی سالهای گذشته سوز و در  
بکمال و نیم اخیر بسیاری از با صلاح متفکرین  
اسلامی کوشیده اند در همان چارچوبهای فکری  
گذشته با مثل روز و حل مشکلات اجتماع  
می‌روند، کذا اما نتیجه ای جز در خازن، جز  
مک به با گذشتن از خطا می‌رساند واری و بسته  
با تدفیر از خطا در سط و روستا در دهشت

و آیت الله خمینی هم هرگز کلمه ای درنا درست و غیر اسلامی بودن آنها به او نگفت و با او بیادش هست که همکاری در نوشتن گفتار برای آن برنامه و نیز را دیوبندگری که بعدها بنام "روحانیون مبارز" - بعدت چند ماه - دا شربود (او اعرسال ۵۳) از جانب ما همچنان ادا می داشت .

### ● چرا برخی از حاضرین در سالهای گذشته امروز که به قدرت رسیده اند ، موضع ضد انقلابی دارند و مجاهدین خلق را "منافق" می نامند و چرا در پرونده تنها با مجاهدین همکاری داشتند بلکه از کمونیست ها نیز بخوبی یاد میکردند ؟

بطور کلی می گویم : آقایان خرد بورژوا - هائی که تا دیروز بر اساس نیازهای محدود مبارزاتی شان گردما حلقه میزدند امروز که به قدرت رسیده و به خدمت بورژوازی درآمده اند از همین موضع ضد انقلابی، علیه ما لحن پراکنشی میکنند ، ما را "تفریکار" میخوانند و واقعیت جنبش خونبار گذشته را در جهت منافع محدود طبقاتی خویش مورد تحریف و انکار قرار میدهند .

باری، شما ما با آیت الله ، دادن اخبار جنش - منجمله نشریات خودمان - به او ادا می یافت ، اما آیت الله اگر ما مجاهدین را تا شمس نکرد ، هرگز تکذیب نمیتوانست بکند ، چرا ؟ آیا سخ این "جرا" را بعدا خواهد داد .

(اذا مه دارد)

### بقیه از صفحه ۱۳ حزب توده...

سرکوب میکنند و از سوی دیگر آنها با هم به "تائید کلابه امیر" از متعددین خدا میرپایست خود یعنی جناب البکرو و دام حسین می پردازند . آنها می گویند :

"آقای رئیس جمهوری محترم احمد حسن البکر آقای نایب محترم رئیس شورای انقلاب صدام حسین ، رفقای محترم اعزای رهبری قطری (کشوری - پیکار) حزب بعث عربی اشتراکی .

اکنون بار دیگر تاکید می کنیم که وظایف مبنی و ملی و اجتماعی که ما را با هم متحد میمازند ، بزرگتر از هرگونه مورد اختلافی در بین ما است و وجهه کاما یک ضرورت مبنی است و همه موجبات تشکیل آن همچنان برای خود باقی است . حفظ و تحکیم خط منی مترقی و تحقق وظایف بزرگ سیاسی اقتصادی و اجتماعی که در برابر جنبش ملی و انقلابی ما قرار گرفته است چنین اقتضا می کند ."

بدین ترتیب ابتدا فاشیستهای بعث ، دیکرات و ملی و برپا دارند و سوسیالیسم میشوند سپس حکومت ملی ای که یکسو اقدامات نادرست انجام میدهد و الان بیکساره این دولت نمیتوان کارگزاران میرپایست میدهد میشود ما اینجا کاری با ترهات و ریزو نیستی مبنی سر راه و دشمنی سر ما به داری عراق "تدارک" این تیز خود بسیار روشنگر است فقط اینرا میخواهیم نشان دهیم که ما هیت رژیمها را ریزو نیستیهای بقیه در صفحه ۱۸

نیز محنت امای نامها را تا شد کرد و از من پرسید : "خوب ، من چه باید بکنم ؟" من در پاسخ حداقل تقاضا را مطرح کردم و گفتم : "فقط کافی است شما به عراق بیاید و ببینید که خبری دریا نیست کرده ای که اینها جاسوس رژیم شاه نیستند و تفصیل قضیه را موقوف به اخبار بعدی از ایران بنمائید

که ما خود را با اقدام می کنیم" . و اما فعلا که این برادران در راه فرسوی با یکا ههای انقلاب فلسطین بوده اند و من نیز با یکا ههای الفتح نزد شما آمده ام ."

در آنروز ، آیت الله از ایدئولوژی ما پرسید و به فرصت طرح آن برای او بود . آقای خمینی گفت : "اگر اقدامی کنیم ممکن است برای آنها (زندانیان بدر شود" (!) من "بدر شدن" را نمی توانستم قبول کنم و گفتم : آنها زجر شکنجه شدید قرار دارند و در معرض تحویل ایران هستند ولی وی نه در آن شاس و نه بعد از آن ، حاضر به هیچ کمکی به ما نشد بدون اینکه کوچکترین اطلاعی از اصطلاح اشکالات اعتقادی ما در آن زمان داشته باشد . البته چند روز پس از ملاقات اول ، آیت الله توجه دیگری برای این عدم موضعگیری مطرح بود و آن اینکه "نیخواهد از عراق بیاید و تقاضای یکصد تن تقاضای متقابل از سوی آنان بدینال داشته باشد" . واضح است که آنچه من میخواستم ، تقاضا از دولت عراقی محسوب نمیشد و اما فعلا میگویم که آیت الله از امنیازی - هر چند غیر رسمی - در عراق برخوردار بود که مانع "تقیام" پیشنهادی من نبود . شاید این موضوع را در قسمتهای بعدی این مباحثه بیشتر بتوانم شرح دهم .

آقای دعائی که امروز به خیل ضد انقلابیونی که کمونیستها و مجاهدین را زیر لایقهت و تکفیر گرفته اند پیوسته است و تلاشهای انقلابی ما در آن سالها را "منافقا نه" نامیده است ، خوب بیاد دارد که قدرتی آنکه کسی - حتی آیت الله خمینی - منوچه بود ، خودش در راه آزادی و جلوگیری از تکلیف برادران ما کوشش و بازمیداند که سرانجام ، شما ما با الفتح و با طاعت نموده آن سازمان ، مانع تحویل آن برادران و آزادی آنها گردید . او باید داشت که جعفر از این موضع - گیری آیت الله را راحت بوده و حتی نزد او - بقول خودش - گریه کرده است . آقای دعائی بیاد دارد که از همان سال ۴۹ که من او را در بغداد دیدم و رفقا را انقلابی و شکلاتی من و دیگر برادران که از ایدئولوژی من "آیدالهای اسلامی" می داشت ، او و برخی دیگر از دوستانش در حفره اجداد رحمت تا شرف قرار میداد . او به بادش هست که دهها گفتار را دیوبندی برپا می "تصویر روحانیت" را که او را دیوبند ادا اجرا میکرد ، من با یکا فکوزهای سازمان منم میباشتم

ابتدا سه ماه به کار سیاسی و ارتباطی مشغول بودم . در سراسر ماه ۴۹ مخفیانه به ایران برگشتم و پس از چند روز همراه با قریب ۱۰ نفر از برادران مجاهد و معنویان راهنمای آن دوباره به مناطق خلیج فارس رفتم . در سفر دوم حدود یکماه همراه با مجاهد شهید محمود شامخی در ایطوبی که در آن زمان مستقیماً مستعمره انگلیس بود زندانی بودم و بعد با قافله به لبنان و اردن رفتم . در آنجا تعداد دیگری از مجاهدین گسرد می آمدند منجمله شهید صفر بدیع زادگان و محمد بازرگان و روحانی . فعالیت ما در لبنان و سویزه اردن تا دوسه ماه بعد یعنی تا پس سپتامبر سال ۱۹۷۰ طول کشید . عده ای از برادران ما که در راه پیوستن به ما بودند در دبی دستگیر شده بودند و سازمان تلاش خود را بکار برد تا از تحویل آنان به ایران مانع شود . و در همین راه با یک هواپیمای ایرانی که به برادر زندانی ما را به تهران می آورد و بدو سه نفر دیگر از برادران منجمله رفیق روحانی رسیده و به بعد ابد در دولتی مقامات عراقی برادران ما را که حاضر نبودند خود را در خدمت عراق بیا فرار دهند به زندان انداختند و شکنجه شان می کردند و احتمال داشت که آنها را به ایران تحویل دهند ، مری که برای سازمان مخفی ما در آنروز البته گران تمام میشد .

سازمان این بار برای نجات ۹ نفر از تنهم از زندان بغداد با بد تلاش میکرد . سفر من به عراق و ملاقات با آیت الله خمینی یکی از این تلاشها بود . در آن ۴۹ من همراه با نمایان آیت الله طالقانی به آیت الله خمینی به تنه رفتم و با آشنائی و معرفی آقای دعائی ، نامها را برای آیت الله خمینی بردم . نامها در تقویمی جیبی با جوهر نایب مرئی نوشته شده و چند روز قبل از آن مخفیانه به خارج ارسال و به ما رسیده بود . آقای خمینی را بطور غموسی پذیرفت و کسی دیگری در اتاق نبود . نامها مرئی را با ما ده ظاهرا هرکننده آن ، طلوی آیت الله خوانا کرد و منا به آیت الله طالقانی را که بر اساس شناخت او از من و گذاران سازمان تهیه شده بود به آقای خمینی دادم . نامه با آیه ای از سوره کهف :

"انهم فتیة متوا بر سه روز نامها می - یعنی آنها جوانانی هستند که به پروردگاران آسمان آورده اند و ما بردها بستان افزوده ام - شروع میشد (۱) . نامها آیت الله میخواست که بهر نحولاح میدانم مانع از تحویل برادران زندانی ما از طرف رژیم عراق به ایران گردد . آیت الله رمزا طامینائی را که آقای طالقانی داده بود و

(۱) - آیت الله خمینی در سخنرانی ۴ ترم ماه ۵۹ خود ضمن ذکر این قضیه ، نامها آیت الله طالقانی را بر زبان آورد و به آیه قرآن را تا به آخر خواند و مشخصاً کلمه "متوا" را که "ایمان آورده اند" معنا میدهد و معادق آن بر اساس نامها آیت الله طالقانی "مجا هدين هستند ، نخواهد! (پیکار)

## ملاحظات کوتاه

### لعنت به هردو تاشون!

جنگ ارتجاعی و غیرعادلانه بین رژیمهای ایران و عراق هرروز برایانی های بیشتر، کشته های زیاد تر و خسارت های افزونتری ببار می آورد. هردو طرف با دست آویزهای خاص خود - شان، زحمتکشان دوکشور را به سوی کشتارگاه روانه میکنند. گوشتی سرما به داران خودی و امپریالیستهای آمریکا و اروپا و سوسیال امپریالیسم روس را به تماشا می آید. این نبرد گلابی تورها دعوت کرده اند، تا آنها سلاحهاشان را که مدتی است پس از جنگ ویتنام و اعراب و اسرائیل در انبارها مانده است در این بازار مکاره نفست آلوده و خورمیا نهد. بکشند تاشون بیارین معرکه در درجه اول رژیمهای ایران و عراقند. هردو شان بزیان، دم از انسانیت، اسلام و حقوق مستضعفان میزنند و با زهر دوشان بیادست، توده های ستم دیده دوکشور را بیشتر به روز سبزه می نشانند. آخر، ما هیت فدخلی هردو شان و ما هیت این جنگ کثیف چیزی جز این اجاب نمی کند، هیچکدام از دیگری بهتر نیستند، "هر دو بدترینند!" هردو شان وجنگنا را محکوم کنیم نقاب از چهره هردو شان برداریم!

### از "انکی" های یاد گرفته اند،

### از استادشان!

امپریالیستهای آمریکائی، جنایتکاران حرفه ای و محکومین به اعدام را به ویتنام می فرستادند تا آنها عقده های جنایتکاری شان را بر سر خلق قهرمان ویتنام غالی کنند و در مجازات شان تخفیف حاصل شود تا گردان ایرانی آنها هم کودتا چپان و فدا انقلابیون بختی رنجی و اوسسی جی را برای "تظهير" و "خراندن" از زندان بیرون آورده برای بیماران دهکده ها و شهرهای عراق می فرستند. یکی از همین "خرقائی" اسلامی آورده و تظهير شده طی معاصیهای در تلویزیون روز چهارشنبه ۱۶ مهر میگفت وقتی برای "انجام ماموریت" بر فراز پایگاه همانیه عراق پرواز میکردم چنان غافلگیرانه آسرا کوبیدم که "عمله های" که جا ده را تعمیر میکردند فرصت انداختن بیل و کلنگشان را نداشتند! میگاهی روسی کاوگران ایران ناسیونال و زحمتکشان خوزستان و سایر شهرهای ایران را میگویند وفاقا تنوعهای آمریکائی "عمله های" عراقی را، جوانان افتخار میکنند و از دست خانبان بزرگترشان حایزه دریافت میدارند. یکی میگوید "فتح قادیسه" را تکرار کنند و دیگری میگوید "انقلاب" ما در کندی تاوان هردو را کارگران و زحمتکشان باید بپردازند. ننگ بر جنگ افروزان!

این سخنان میخوابد بر سطل مبارزانش را به اطاعت کورکورانه از فرماندهان مزدور آمریکائی در ارتش ایران وادار سازد. دشمنی خود را با کمونیستها و نیروهای انقلابی آشکارا بپایان میکند. زحمتکشان ما بارها شاهد بودند که این تیمسار سرسپرده آمریکا و نورچشمی امام، چگونه دستور اخراج و دستگیری و زندانی کردن پرسنل انقلابی ارتش را صادر کرده است. سند شماره ۲ نمونه ای از اقدامات فدخلی این عنصر حنا بتکار در ارتش را نشان میدهد:

درج شدن اسم غاشبینی همچون حزب توده در سند مذکور در این رابطه است که فلاحی این عنصر کله پوک نمی فهمد که حزب غاشن توده جزو نیروهای انقلابی و کمونیست نیست. چه حزب توده نیز در خدمت کردن به رژیم ارتجاعی حاکم دست کمی از خود فلاحی ندارد!

حال با توجه به سوابق تنگبین تیمسار "فلاحی"، کارگران و زحمتکشان ما قضاوت کنند که در جنگ ایران و عراق، امثال فلاحی و ظهیرزاد چگونه میتوانند از خلقها و انقلاب دفاع کنند. تیمسار فلاحی و امثال او دشمنان دیروز، امروز و فردای خلقهای میهن ما هستند. جنگی که امثال فلاحی بدان دامن زده و خلقهای دوکشور ایران و عراق را قربانی مفاصلید و فدخلی خود می نمایند، جنگی نیست که منافع خلقهای زحمتکش ما باشد. این جنگ، جنگی است بر ضد خلقهای عراق و ایران و بیفعل فرماندهان ارتشی همچون فلاحی و کلاروسم جمهوری اسلامی، جنگی است که راه را برای امپریالیسم آمریکا در ایران، هموارتر میسازد و جنگی است که در آن تنها کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ایران و عراق قربانی میگردند.

که گذشته از استفاده تبلیغاتی برای ضروری هم برای امپریالیسم پنداشته باشد، چنین است که در همین هفته گذشته وقتی رژیم ایران اعلام کرد تنگه هرمز را در صورت ادامه جنگ می بندد و امپریالیسم آمریکا فوراً واکنش نشان داد تا تمام جناحهای هیأت حاکمه که از این مسئله فقط میخواستند بعنوان مانور تبلیغاتی استفاده کنند، عقب کشیدند، و عیان ساختند که موافقت منافع امپریالیسم هستند. اگر گاهی اوقات برای فریب توده ها به امپریالیسم فحش میدهند اما هرگز نمیخواهند ضرری به او برسانند. و در هیأت حاکمه نیز مشخص شد که اگر چه در مورد شکل برخورد (دشنام دادن یا ندادن) اختلاف هست اما در محتوای برخورد یعنی حفظ منافع امپریالیسم اختلافی نیست.

بهر حال در هفته گذشته "امیرالها" "سرد" اغیرشان در مورد ارتش را همچنان ادامه دادند در حالی که در مورد مسئله گروگانها شکست خوردند و اما دعوا بر سر جنگی سیاست خارجی همچنان ادامه دارد.

### بکینه از صفحه ۸

### تیمسار...

مالک دستور داد: "مقامت کنیدا لان هلیکوپتر را بکیم شما میفرستم" (۱)

بعد از قیام، سرتیپ فلاحی بنا به حکم دادستانی کل دستگیر میشود و بعد از حدود ۲۰ روز برای خدمت به رژیم جمهوری اسلامی یک شبه مسلمان شده و آزاد میگردد، در زیر سند شماره ۱ حکم جلب تیمسار فلاحی را ملاحظه کنید:

سرتیپ مزدور آمریکا بعد از آزادی، از دست رژیم جمهوری اسلامی از نورچشمیان آیت الله خمینی گشته و توسط او به فرماندهی نیروی زمینی ارتش و مقام جانشینی ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی منصوب میگردد. فلاحی بعد از محکم کردن زیر پای خود در ارتش، بنا به سیاست رژیم، دانشی دیرینه خود را با خلقهای زحمتکش میهن ما آغا نمود. کشتاری که او به دستور رژیم از خلقهای کرد و ترکمن برآورد و آخته واداره میدهد، کم نظیر میباشد. آری، این واقعه ای است که قتل عام اهالی دهکده های قارنا، قلاتان، گاشی ما میسد توسط پاسداران و ارتش به فرماندهی تیمسار فلاحی، دست کمی از جناب تاج امپریالیسم آمریکا در ویتنام ندارد. آخر، جناب تیمسار فلاحی از شرکت در قتل عام خلق ویتنام و مظلومانه دربار آن نیز، تحریباتی اندوخته اند! ببلاوه فلاحی با تمام قوا میکوشد تا خفقان را نسبت به عناصر مبارز در ارتش گسترش دهد در این ارتباط او شدیداً با تشکیل شورا در ارتش مخالف است. او در باره دکان ستمدج گفت: "من با شورا در ارتش مخالفم فلاحی بسا

(۱) - گزارش حمله به دکان مذکور و نقش تیمسار فلاحی در آن را در پیکار شماره ۴۲ و ویژه قیام آورده ایم.

### بکینه از صفحه ۲۴

### تصادفهای...

به کمک برادران بورژوا پیش آمده است پسین اختلاف در مورد سیاست خارجی، در مورد حضور و عدم حضور خبرنگاران خارجی نیز در گرفته است. لیبرالها برای تخریب عادی ترک کردن روابط با امپریالیستها خواهان حضور این خبرنگاران هستند و حزب جمهوری از ترس منعکس شدن برخی اقداماتش که بورژوازی بین المللی از آن استفاده میکند، مانند حد زدن، شلاق زدن و تیر - باران فواش و گول خوردگان مخالف عدم حضور آنان است. چنین است که بهیئت مدر در منطق خود به حزب جمهوری حمله میکند و میگوید اگر در سطح جهانی اخبار بیشتر بیفعل عراق منعکس میشود بغافلریست عدم حضور خبرنگاران است و حزب جمهوری در روزنامه اش ذکر میگوید: "حضور خبرنگاران خارجی زیانبار است."

در اینجا لازم است به یک نکته مهم اشاره کنیم و آن این است که: حزب جمهوری اسلامی تنها زمانی دم از مخالفت با امپریالیسم میزند

## ملاحظات کوتاه

## اراجینی بنام "درس دیالکتیک"

برای تفریح هم که شده "درس" های بنی مدر در تلویزیون کانال ۲ را تماشا کنید هم از جردن - با تشکر نشو ورامبتدل حرفهای ثنورسین - های بورژوازی نظیر گوریچ، بوهر، گارودی و امثال آنهاست روده برخواهند شد و هم سرمایه داری و ما بنده در برابر جیش خلق که میکشد با چنین "استدلالات" و "درس" هایی به مصاف مارکسیسم - لنینیم برود حالت تحقیری عمیق رتو ما بشنر علیه مرتجعین به شما دست خواهد داد.

بنی صدگانه با آب و تاب و گاه با خمیازه و شکله در آوردن میکشد تماشاگران را شرمناک به حرفهای گند که بنی گذاران سوسا لیسیم علمی صمدال پیش جواش را کف دست گویند گانش گذرانده اند. این آقا فکر میکنند نوبش را آورده و جوانان آگاه ما خود را به ریمان پوسیده او میا ویزند! جوانان آگاه خلق ما میدانند که جسدن به این ریمان همان سقوط درجه است بورژوازی و امیرالایسم همان! در عین حال افشای اهداف بورژوازی بنی صدرازا بن "بحث" ها و ابطل علمی "استدلالات" او و طیفه - ای است که کمونیست ها نباید از آن غفلت کنند.

## بحران دریائین، شکاف در بالا

اعتلا مبارزات توده ها موجب شکاف بیشتر بین جناحهای هیات حاکمه است. بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی با رها بکدیگر را افشا کرده اند. بنی صدر که در خارج جنگ و تحکیم موقعیت ارتش فدخلی، وضع خودش هم همراه با دیگر لایمرالها بهتر شده است، شب جمعه گذشته در تلویزیون بعد از گوشه هایی که به رقیب زد و شخما خا منه ای را نا و اردو عا مل "تضمیم" روحیه مردم "دانست، از یک نکته دیگر هم پرده برداشت و رقیب خود حزب جمهوری اسلامی را منعم کرده که در راه وابستگی به امیرالایسم سیر می - کند و سواستش این است که میگوبد:

"با فروش بیشتر نفت و واردات بیشتر نرمد را را زنی نگاه داریم تا رژیم حفظ شود و مکتب را پیش ببریم." ما از بنی صدر که موزا نه می خواهد خود را تطهیر کند می پرسیم آیا اوسا بنی بهتر از همیا لکی های خود دارد؟ نخره نشان داده است که مگ زرد پرا در شان له!

بازرگان، نرزه، مدنی و دولت عراق و سوما لسی و... را قلب کردند، اکنون نریرا حتی به قلب حقایق در مورد این جنگ می پردارند، اما همچنان که در تمام موارد فوق رسوا شدند، با زهر سوا نر خواهند شد.

★ ★ ★

وبیکاری حاطی بنی سرد، آقای نعمت زاده خود را لومیدهد: "برای اسفلال کشور با مدهرجه بیشتر تولید کرد." بنی دعا بر سر کشیدن میزان بیشتری از شیر جان کارگران است. پس جنگ برای سرمایه داران مفید و مثبت است نه برای کارگران، چرا که با تسلیمات وسیع خود کارگران را به کار بیشتری وادار میکنند. در این شرایط جنگی هر چه فلاکت و نکبت است از رمان کارگران میشود و در عوض استعما ریشتر کارگران نصیب سرمایه داران. چنین است که آتش بن داده شده از سوی عراق (که در ارتباط با عدم توانایی و کشتار ادا مه جنگ برای عراق و نیز استفا ده بیشتر از تفوق نسبی درجه ها داده شده بود) از سوی ایران رد میشود و میا تحکیر و مذاکره نیز مژدود اعلام میشود. جنگ مثبت است چرا که بنی قول رفسنجانی، مردم دیگر چیزی نخواهند خواست جنگ مفید است چرا که بنی قول وزیر متیان و معادن کارگران بیشتر تولید خواهد کرد.

بنی متحده بگریم: جنگ به این خاطر از سوی رژیم تبلیغ می - شود که مانع انقلاب شود و خواستهای توده ها را به بند کشد، توهم را باغزا بدو کارگران را بیشتر استعما رکند. کشتار، فلاکت، قحطی و سیکاری زحمتکشان مهم نیست، اهداف ارتجاعی هیات حاکمه مهم است.

## بقیه از صفحه ۱۶ حزب توده...

خوشحی نه برمنای ماهیت طبقاتی انسان بلکه برمنای روابط استعما رگرا نه شوروی با اتان می سجدند، اگر منافع شوروی اجباب کند، فاشیستهای بعث سوسا لیت میشوند. بنا نوکرا میربا لیت!

"توده" ای "خاش اکنون برای بدست آوردن دل جمهوری اسلامی به هجو بعثیها و مدح رژیم ایران مشغولند، تما مکوش آنها اینست که جای پائی برای سوسال امیرالایسم در رژیم ایران ایجا دکنند. "منهن پرستی" توده - ایها "در شرایط کنونی برای ایخت که سلاحهای روسی به ایران فروخته شود و تا بدهم "راه رشد غبر سوا به داری" (سخوان مستعمره) دیگری برای شوروی جور شود.

برای روبرو سبستهای "توده" ای "فلاکت و بدبختیهای که جنگ برای زحمتکشان ایران و عراق به پیش می آورد مهم نیست، آنچه را که تا دیروز در مورد عراق میگفتند مهم نیست، مهم منافع شوروی امیرالایستی است. "حزب توده" جنگ غبرعا دلانه کنونی را عا دلانه میخواند و از توده ها میخواهد تا به سپاه پاسداران بپیوندند و تولید را با لاسرند و خلاصه خود را فدای جمهوری اسلامی کنند. اتان باغ طرفا مع شوروی، دولت فدخلی ایران را بزرگ میکنند، اتان به مثابه سوتال، سوبستهای شما معیا را مهیت جنگ کنونی و ما مهیت رژیم جمهوری اسلامی را قلب میکنند. آخر آنها دروغو گمان بزرگی هستند و همچنان که بدتها ما مهیت رژیم شاه، جبهه ملی،

## بقیه از صفحه ۲۴ جنگ طلبی...

با مطلع صدور انقلاب اسلامی و سرکوب انقلابیون هستند. چنین است که آقای ها شمی رفسنجانی اثرات جنگ را مثبت ارزیابی میکند:

"اثرات جنگ تعمیلی ایران و عراقی در کشور - های منطقه مخصوص عراق سثوال شدوی در جواب گفت: "البته جنگ یک خسارتی دارد... اما روبره مرفته اثرات جنگ تابحال از نظر ما مثبت بوده، هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ نظامی، و تا به بدر در از مدت از لحاظ اقتصادی هم نتوانند برای ما مفید قرار بگیرد، ولی روبره مرفته ما از این جنگی که سرمایه تمیل شده را زنی نیستیم" (جمهوری اسلامی، ۱۵ مهر).

از نظر آقای ها شمی رفسنجانی این جنگ خا نما نسوزا نظیر سیاسی مثبت است "چرا که لایسد بخیا ل باطل میتوانند به تحکیم تثبیت جمهوری اسلامی بپردازند، انقلابیون را سرکوب کنند، بر توهم توده ها با سوا بنده و بگوشتن با بعثت دا منه بحران انقلابی را کاهش دهند. "از نظر نظامی مثبت است، "چون که به تقویت ارتش ضد خلقی میپردازند، هر چند که هزاران تنس از زحمتکشان کشتار میشوند." از نظر اقتصادی مثبت خوا هدود "چون که با لاینگا و موسسات اقتصادی ایران و عراق به وسرانه تبدیل میشوند، دسترنج زحمتکشان کشور ما مرف غریبا سلحه از امیربا - لیتها میشود، گران، قحطی و بیکاری زحمت - کشان ما را رنحور تر میکند، می بینند فلاکت توده ها از نظر رفسنجانی مثبت تلقی میشود چرا که بنی قول ها شمی رفسنجانی:

"یک رفاه طلبی بعد از انقلاب در مردم وجود داشت که مردم فکر میکردند که این انقلاب بلافاصله می بایستی که از هر نظر برای آنها رفاه بیاورد. و این جنگ اما دگی در مردم ایجا د کرد که چنانچه بخواهند انقلابشان را ادا مدهند، ضرورت محدودیتهای بعد از انقلاب را بپذیرند." (همانجا).

آقای رفسنجانی رک و راست اعتراف میکند که جنگ از این نظر مثبت است که تا توانی اتان را در پاشخ به بنی زهای توده ها (آن بنی زهای که توده ها برایش دست به انقلاب زده اند) می - تواند برای مدت هر چند کوتاه سربوش بگدارد چرا که توهم افزایش پاشخ است، اما آقسای رفسنجانی یک چیز را نمی تواند ببیند و آن این است که این جنگ تا توانی رژیم را شکار تر کرده، دا منه بحران اقتصادی - سیاسی جامعه را افزایش خواهد داد. آقای وزیر مناسیم و معادن نیز در این مسافه تبلیغ جنگ علقب نما نده میگوبد:

"این جنگ تعمیلی از لحاظ اقتصادی پراز غبر و برکت برای ما ست." (جمهوری اسلامی، ۱۴ مهر).

این غبر و برکت برای کیمت آگا رگران که زحمتکشان در جبهه، کار ریشتر در کارخانه و گراسی

### پیشنهاد برای مطالعه (در رابطه با مسائل جنگ)

لنین (ضمیمه پیکار ۷۶)  
صفحه ۳۸۶ منتخب آثار لنین (مجلدی)  
صفحه ۴۶۰ منتخب آثار لنین (مجلدی)  
صفحه ۵۰۳ منتخب آثار لنین (مجلدی)  
صفحه ۶۴۸ منتخب آثار لنین (مجلدی)

- ۱- جنگ و انقلاب
- ۲- اپورتونسم و ورشکستگی انترناسیونال دوم
- ۳- دفاع طلسمی انقلابی و معنای طبقاتی آن
- ۴- مبارزه با ویرانی و مسئله جنگ
- ۵- معنای انترناسیونالسم چیست ؟



بگوئیم زما نیکه میگوئیم روند آئیده جنبش جنگ داخلی است نه به معنی عامیانه آن، یعنی جنگ نوده ها علیه نوده ها (مانند لنین و...) است. البته این نیز نوعی جنگ داخلی است. منظور ما از جنگ داخلی به معنای مارکسیستی آن یعنی جنگ علیه بورژوازی داخلی و کلیه سمگسگران داخلی است. لنین میگوید:

"کسی که مبارزه طبقات را قبول دارد نمی-نوا ند جنگهای داخلی را که در هر جا معیه طبقاتی بمناسبت با مده و تکامل و تشدید طبیعی و در موارد مخصوص اجتناب نپذیر مبارزه طبقاتی است قبول نداشته باشد... نفی یا فراموش نمودن جنگهای داخلی معنایش دچار شدن به مستها درجه اپورتونسم و عدول از انقلاب سوسیالیستی است."

(لنین - برنا مه جنگی انقلاب پرولتاریائی) بنا بر این می بینیم که جنگ داخلی بر علیه طبقات حاکم داخلی است (برخلاف جنگهای رها شیش که بر علیه متح و زین خارجی صورت میگردد) نتیجه اجتناب نپذیر مبارزه طبقاتی است. ذکر این مطلب که روند عمومی جامعه را جنگ داخلی می دانیم به این معناست که روند عمومی جامعه گسترش مبارزه علیه طبقات حاکم داخلی است و خطر "متح و زین خارجی" (کودتا، تنها جم و...) و جنگ ملی و آزادیبخش جنبه عمده ندارد. ما با تکیه بر جنگ داخلی در حقیقت معتقدیم که "مبارزه با امپریالیسم و مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست."

### رفیق ز

در مورد زبان "پیکار" انتقاد کرده بودی که برای زحمتکشان فهم آن مشکل است. باید سه نکته را در این باره توضیح داد:

**اول** - در مورد اینکه زبان پیکار همچنان نوده ای نیست و تا حدی مشکل است، حق با توست. ما تلاش کرده ایم تا زبان پیکار را ساده تر کنیم. برای مثال تومیتوانی پیکار ۷۵ و ۷۶ را بخوانی و در مورد آن نظریه دهی. اما این واقعیتی است که هنوز موفق نشده ایم در این راه کاملاً به هدف خود برسیم. در این مورد رفقا می-توانستند با نوشتن مطالبی به زبان ساده برای درج در پیکار ما را کمک کنند.

**دوم** - در مورد برخی مقالات که صورت ترویجی و یا نیمه ترویجی است، زبان آن نیز با گزیر مشکل تر از زبان یک مقاله تبلیغی با افتاکری است و اگرخوا هم زبان آن مقالات ترویجی

**رفیق م-ج**  
از دقت و هشیاری و برخورد فعال نسبت به "پیکار" در رابطه با وظایف پیشانی نهایت سپاسگزارم. رفیق در مسائل در مورد وظیفه رفقا در برابر اعزام منقضیان خدمت ۵۶ پرسیده بودی در توضیح باید بگوئیم: موضع ما محکوم نمودن جنگ ارتجاعی بین رژیم ایران و عراق است. بنا بر این شرکت در جنگ را درست نمیدانیم و بر آن محکم میگذاریم. اما همانطور که در ضمیمه شماره ۲ پیکار ۷۵ نوشته ایم، بحریه جنگ از سوی ما از موضع سوسیالیستی صورت نگرفته است و قطعاً به آن مرز بندی داریم. بنا بر این ما حتی حاضریم در جنبه ها شرکت کنیم، اما نه برای جنگ، بلکه برای تبلیغ علیه جنگ! از این رو رفقا می-توانید مجبورند در ارتباط با اعزام منقضیان سال ۵۶ به جنبه بروند، میبایست با تکیه بر مواضع سازمان در جنبه تیز به تبلیغ مخفیانه علیه جنگ و سازماندهی نوده ها بر ضد جنگ بپردازند. دست ترا به گرمی میفشارم!

### رفیق م-ج

درود گرم ما را بپذیر! نامه ات رسید، پیشنهادت مورد توجه قرار گرفت. خواسته بودی در مورد جنگ داخلی توضیح بدهیم تا مردم آن را جنگ علیه یکدیگر تصور نکنند. در توضیح باید

### رفقا، هنرمندان مبارز هوادار سازمان!

عکسها، طرحها و نقاشیهای هنری - انقلابی خود را برای درج در نشریات سازمان، برپاشی نماشگاه و... از هر طریقی که میتوانید در اختیار ما قرار دهید. در این رابطه میتوانید با ارسال ایده های قالب و نقاشی، ما را در عرضه طرحهای غنی، ترساری رسانید. رفقا! عکسها، طرحها، نقاشیها و... خود را حتماً همراه با یک حرف و یک عدد بفرستید تا ما بتوانیم بوسیله آن گذشته را از علامت برداش در معمای سخ به ما در صورت لزوم و از طریق همان صفحه شما ارتباط بگیریم.

- ۱ - رفقای محلات (کود) عکسهای قالب شعرا رسد حتماً از آنها استفاده خوا هم کرد.
- ۲ - رفیق ت، طرح پیشنهادت دیدت رسید.
- ۳ - از رفیقی که یکی از طرحهای ارسالش در صفحه ۶ پیکار ۷۳ چاپ شده میخواستیم که با تحریریه ارتباط بگیرد. پیروزی باشد!

**رفقا! تعداد زیادی از نامه های که بدست ما میرسد، نامه های است که رابطه مستقیمی با "نشریه پیکار" ندارد، نویزها و نامه های مربوط به مسائل درون تشکیلاتی برای ما فرستاده میشود که ما با به بخشهای دیگر تشکیلات ارتباط دارد. مثلاً نامه ای در مورد انتقاد از فعالیت تشکیلاتی سازمان در فلان منطقه یا نامه ای در انتقاد از مسئول فلان محله و غیره. این نامه ها مربوط به همان بخشها می-باشد که رفقا در آن فعالیت میکنند و آنها را باید به ارگان بالاتر خویش بدهند. از این رو از کلیه رفقا میخواستیم که تنها نامه های را برای ما ارسال دارند که مربوط به "نشریه پیکار" است.**

**پیروزی باشد!**  
تعداد زیادی نامه از رفقا بدستمان رسیده است که در مورد مسئله "بورژوازی تجاری سنتی" توضیح خواستند، ما ضمن ستایش از دیدبند انتقادی و برخورد فعال رفقا خواهان شناخت عمیق از مواضع سازمان هستیم و بر این امر موضعی را قبول نمیکنند، برای اطلاع رفقا باید بگوئیم که ما بزودی در پیکار رتئوریک به این مسائل برخورد خوا هم نمود.

### رفیق و-د

نظرات و پیشنهادات ت رسید. از آنجا که پیشنهادات ت در رابطه با تحلیل توازن جنگ ایران و عراق و این تحلیل با موضع سازمان نظام طبق ندارد لذا از پذیرش آنها معذوریم. موضعگیریها و روشمدهای ما در مورد جنگ ایران و عراق و وظایف کمونیستها در قبال آن در بیانیه ها و ضمیمه پیکار... توضیح داده شده است. علاوه بر این ما در پیکار رتئوریک نیز بصورت مشروح در توضیح نظراتمان و سوبیزه مبارزه ایدئولوژیک با نیروهای سیاسی با این مسئله برخورد کرده ایم که بزودی منتشر میشود.

### رفیق از افغان

نامه ات رسید، انتقاد کرده بودی که مواضع سازمان در مورد ما هیت حزب جمهوری، قدرت سیاسی، کودتا و... در ارگانها شریح نشده است و این باعث میشود که در برخورد به دیگران نتوانی کاملاً موضع سازمان را توضیح دهی. ما ضمن پذیرش انتقادات چنانکه گفتیم، تلاش میکنیم با انتشار پیکار "رتئوریک" به این مسائل مهم برخورد کرده، مواضعمان را بصورت کاملاً هنری بیان کنیم. پیروزی باشد!

## بقیه از صفحه ۹ جنگ...

تما می جنگهای غیرعادلانه معاشب جنگ را به بد زحمتکشان تحمل کنند. آیا سرمایه داران خودشان در جنگ شرکت می کنند؟! البته گفته! آیا حاکمان هر دو کشور خودشان در جنگ کشته می شوند، زخمی می شوند و خسارت می بینند؟ آیا زهمه! آنها فرزندان مردم را قربانی می کنند تا خودشان حکومت کنند. آنان برای منافع خودشان است که این جنگ ها را راه می اندازند. بهمین دلیل است که ما نباید در این جنگ شرکت کنیم دفاع از خود یعنی کسب قدرت سیاسی و برقراری حکومت زحمتکشان اگر غیر از این باشد، هرنوع دفاعی از این جنگهای ارتجاعی شمشیرزدن در رکاب طبقه حاکم است، هرنوع شرکتی در این جنگ، دامن زدن به جنگی است که علیه زحمتکشان است در جنگی که برده داران با یکدیگر می کردند، تنها بردگان بودند که کشته می شدند، در جنگ بین ملاکان و زمینداران، این سرمایه داران و دهقانان بودند که معاشب جنگ را تحمل میکردند. در جنگی که سرمایه داران و مترجمین نیز علیه یکدیگر به راه می اندازند، تنها کارگران و توده های زحمتکش هستند که قربانی جنگ می شوند. آیا قربانیان این چنین جنگی، باید با شرکت در جنگ علیه یکطرف و به نفع دیگر، به گسترش جنگ کمک کنند تا وا رگی و فلاکت خودشان را بیشتر کنند؟ یا باید خواهان قطع جنگ گردند؟ آیا اگر موقعیت مناسب بود در سنگونی حیات حاکمه و دفع متجاوزین و برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان بگویند؟ ما میگوئیم: در جنگ غیرعادلانه، جنگی که بین دنیوی و ضد خلقی برای تأمین منافع خودشان صورت می گیرد مردم نباید شرکت کنند، چرا که آلت دست منافع سرمایه داران و حاکمان می شوند. نباید شرکت کنند، چرا که با شرکتشان در جنگ، جنگ دامن زده میشود و رفاه آن برای خلق تشدید می شود، چیزی جز مرگ و بدبختی و فلاکت نیست. مردم ما باید در جنگی شرکت کنند که عادلانه باشد یعنی جنگی که برای آزیدن سربد ستم و استعمار و در دفاع از منافع خودشان و برای کسب قدرت و برقراری حکومت انقلابی خودشان باشد. رهبر کارگران جهان، لنین میگوید: **جنگ** **آدمهاست است به شکل قهرآمیز، اگر سیاست** **ما مبارزه علیه ارتجاع داخلی، علیه امپریالیزم و در دفاع از منافع زحمتکشان است، در جنگ نیز باید چنین سیاستی را دنبال کنیم، تنها چنین جنگی را عادلانه و برحق و قابل دفاع می دانیم و بهمین دلیل جنگ کنونی را که غیر عادلانه است محکوم میکنیم.**

**رفقا - م - ج - م - ج - علی گاو باشی، ب - د - م - ف - م - ت - آ - د - الف - ی - نامه ها پستان** **رسید دست نگ تکتان را به امید موفقیت می - فشاریم و میخوانیم بتوانیم با بهره وری از انتقادات و پیشنهادهای پتان، سبک کار و خوبش را اصلاح کرده و تکامل بخشیم.**

پهروز با شید

و اما در مورد مضمون این مقاله باید بگوئیم که تحلیل عمومی سازمان از روند جامعه همانطور که در شماره های متعدد پیکار آمده روند جنگ داخلی است نه کودتای امپریالیسم و نه فاشیسم البته این تحلیل بمعنای ندیدن امکان کودتا نیست ولی آنچه که اهمیت دارد اینست که علیرغم وقوع چنین کودتاها ای از سوی امپریالیسم آمریکا، روند عمومی جامعه را به کدام موسی - بینیم که تحلیل ما در این مورد دیه راحت روی جنگ داخلی تکیه دارد و این همان نکته اصلی ای است که در مقاله کودتا بدان توجهی نشده و متقابلا "خطر کودتا" را عمده کرده است.

علاوه بر این انحراف، مقاله اینجا و آنجا که طبعاً جدا از کل تحلیل نیست و خود مقدمات نتیجه گیری نادرست فوق را فراهم میسازد، دچار انحرافات دیگری نیز شده است و با آنجا که آمده: در صورت وقوع کودتا بخشی از خسرده - بورژوازی مرفه سستی از آن جاسداری خواهد کرد و با اینکه لیبرالها متحدان کودتاچانیداری خواهند کرد، با آنجا که لیبرالها را مدافع پر و با قریص و تکیه گاه اصلی رژیم جمهوری ندانسته و آنها را در کنار بورژوازی وابسته خارج از قدرت مخالف رژیم جمهوری اسلامی قلمداد میکنند و بالاخره اعتقاد به اینکه امپریالیسم آمریکا با توجه به ضعف رژیم جمهوری اسلامی در سگوب خلق و از سبب نظام سرمایه داری وابسته، جای هیچگونه سازش با آن نمی بیند و دلستن به آن را بیهوده تلقی میکند، همانطور که در بالا اشاره کردیم تحلیل عمومی سازمان با تمام موارد فوق اختلاف داشته و از آنجا که ما موضع اثباتی خود را در این زمینه ها قبلاً ارا شده ایم از توضیح مجدد آنها در اینجا خودداری می کنیم.

## ● رفیق ح - س ۲۶۵

گزارش از پادگان عشرت آباد مربوط به اعزام واطمینان برای جنگ بدست ما رسید. در مورد موضع گیری سازمان در قبال آلبانی، به پیکار شماره ۷۵ (پاسخ به نامه ها، سالگرد انقلاب چین) میتوانی رجوع کنی. پهروز با شی!

## ● رفیق الف - و - ولین

برای شناختن تاریخچه سازمان میتوانی به کتاب "تغییر و تحولات سازمان" مجاهدین سال ۵۲ - ۵۲ رجوع کنی. موفق باشی!

## ● رفیق ح - س

نامه ها ت رسید. در نامه نقل قولها شی از رفیق انور خوجه آورده بودی که وی "ما شو" را مارکسیست - لنینیست گیسرو... میداند، البته قبل از مرگ ما شو، حزب کارآلبانی چنین اعتقادی داشت. اما بعد از مرگ ما شو، وی را یک مارکسیست - لنینیست بشمار می آورد. برای پی بردن به این مطالب میتوانی به کتاب "امپریالیسم و انقلاب" انور خوجه رجوع کنی. دست ترا به گرمی میفشاریم.

را بزیان خیلی ساده بنویسیم، به محتوای آن لطمه می زند.

**سوم -** نشریه مرکزی "پیکار" نمیتواند و نباید خودش را تا سطح توده های مردم "پاشین" بیاورد بلکه باید بکوشد سطح توده های میانی مردم را "بالا" بکشد. نشریه پیکار برای توده های پیشرو و آگاه طبقه کارگر و سایر زحمتکشان است و اگر سطح خود را از (جه از نظر زبان و جه از نظر محتوای که در ارتباط لاینگ با یکدیگر است) پایین بیاورد، به نقش نشریه پیکار که سرمایه دانه رهبری کننده و ارتقاء دهنده توده های آگاه است، لطمه وارد میشود. در همین رابطه برای آنکه به مضمون مطالب پیکار لطمه ای وارد نشود، رفقا موظفند که این مطالب را خود به زبان ساده برای کارگران و زحمتکشان توضیح دهند. ما در مورد این مسئله بصورت کاملاً مفصل در سلسله مقالات مربوط به "نشریه و وظایف آن" توضیح خواهیم داد. در ضمن میتوانی به کتاب "گرایش قهرانی در سوسیال دمکراسی روسیه" از لنین رجوع کنی تا نقش نشریه مرکزی برایت بیشتر روشن شود. پهروز با شی! با هم برای ما نامه بنویس.

## ● توضیح در مورد مقاله

## "امپریالیسم آمریکا، باز هم در فکر کودتا است"

نامه های بسیاری در مورد مقاله مزبور که در پیکار ۷۱ چاپ شد، بدستمان رسیده است. ضمن تشکر از رفقای که با تنبیهی و بدید انتقادی نسبت به نشریه، به نقد این مقاله پرداخته اند، پاسخ کوتاهی در این باره میدهم. مضمون این مقاله به هیچ وجه با موضع سازمان در همین زمینه مطابقت نداشت و اکثر رفقا و اعضا و هواداران نیز خود متوجه چنین تناقضی شده اند در پاسخ این سؤال که اگر مضمون این مقاله با موضع عمومی سازمان مطابقت نداشته است پس چرا با بدچنین مقاله ای در نشریه پیکار بیاید، باید توضیح دهیم که اگر چه نشریه پیکار بیان کننده مواضع سازمان و کمیته مرکزی است ولی گاه اتفاق می افتد که یکی از رفقای هیئت تحریریه در نوشته خود دچار لغزش و یا انحراف میشود و ممکن است این لغزش و انحراف از سوی "هیئت تحریریه" حال به دلیل عدم کنترل کافی و یا به عنوان آن با این موضع، مورد سرخور و تمحیص قرار بگیرد و نتیجتاً آن مقاله علیرغم آنکه با مواضع سازمانی خوانائی ندارد در پیکار درج شود. بدیهی است که در چنین صورتی هیئت تحریریه موظف است که در اولین فرصت توضیح تصحیحی خود را نسبت به آن مقاله در نشریه بیاورد. اکنون با توجه به توضیحات فوق باید گفت که مقاله فوق الذکر چنین وضعیتی نداشته که علیرغم عدم تطابق مضمون آن با مواضع عمومی سازمان در این زمینه در نشریه درج میشود و طبعاً میبایست در اولین فرصت توضیح لازم در باره آن داده میشد که از این جهت نشریه هیئت تحریریه انتقاد وارد است.

## با چشم باز در افق خونین کردستان

خاطرات يك سرباز (۷)



پس هر کجا که مشرکین را دیدید، آنها را  
بکشید و دستگیرشان کنید و محاصره نمائید

۱۲ اردیبهشت

امروز یکشنبه هفتم، اکنون در پیشت  
نگهبانی این خاطره را می نویسم. بعد از یک ماه  
کتاب "چگونه فولاد بدیده شد؟" اثر آنتونیو فکسی  
را تمام کردم. کتابی است با سخنان روشنی از  
نتیجه های مبارزاتی فراوانی از آن گرفتم.  
نویسنده کتاب، خاطره زندگی خود را در این  
کتاب بطور جدا و بسیار عالی درج کرده است.  
اوسمی کرده فضای خاطرات خود را محسوس کند و  
واقعاً این کار را بخوبی انجام داده است.  
گورچا لین قهرمان داستان، پیرونده یک خانواده  
زحمتکش است که پدرش را در سن کودکی از دست  
داده، او از همان کودکی بعلت فقر به کارهای  
پرزحمت میپردازد و از تحصیل محروم میماند. او  
در دوران زندگی پر زحمت و رنج، بزودی کرایش  
طبقاتی خود را میباید و در راه آرمای طبقه کارگر  
مبارزه میکند. او از آن خود ما به میگرداند و تا  
آنجا که می تواند به پیشبرد مبارزه طبقاتی  
پاری میکند. کتاب آنقدر موثر است که تصمیم  
دارم دوباره آنرا بخوانم.

در این مدت نسبت به چند سرباز کینه عصبی  
در من ایجاد شده است. این چند مزدور نسبت به  
کردها حمان ابراز عقیده میکنند که گویی از  
طرف دولت اجبر شده اند تا آنها را قتل عام کنند  
آنها هر عقیده مخالف را در گروهان بند سرکوب  
میکند و به آن مارک "کمونیستی" میزنند. البته  
چون نظام و دولت حامی و پشتیبان آنهاست تا  
اندازه ای در سرکوب موفق شده اند. همه سربازها  
با طعنه با آن مخالفان مانعی توانستند آن را  
ابراز کنند. نظیر اینکه مزدوران در هر قشر و  
طبقاتی بافت میشوند که خود را به قدرت و پول  
می فروشند. در این حالت آنان دیگر جز قشر و  
طبقه خود نیستند. بلکه سوگران و عاملین سرمایه  
- داری اند و همین دلیل مورد نفرت زحمتکشان  
فرار می گیرند.

تا امروز نمی از سربازها از طریق هوا، به  
سفر رفته اند. اما ما با قی مانده ایم و میسر  
نا وضع مان روشن شود. امروز تعداد دیگری از  
مردم به پا دگان آمده اند. اما تعداد همه آنها از  
پانصد نفر تجاوز نمی کند.

۱۳ اردیبهشت

دود سیا و غلظت سرفراز شهرهای سره  
ایجاد کرده است. این از خمپاره های دودا یکس  
است که بر روی شهر و اطراف آن می اندازند تا  
سربازها و پادها بتوانند بشنوی کنند.  
دیشب در ادبوی جمهوری اسلامی ششصد نفر

سندج به دست ارتش و پادها در آن تصرف شده است  
ولی واقعیت سربازان است. شهر مقاومت  
میکند و همچنان می حکند.  
کشتاری که بدست نیروهای مسلح رژیم  
اجرا شده غیر قابل تصور است. گویا در شهرار  
زیادی کشته، امارای مری شوع پیدا کرده است  
و مردم از لحاظ غذا و بهداشت وضعیت بدی دارند.

بقیه از صفحه ۵ یاد...

ما رزحرفه ای با شما موجود فعالیت انقلابی  
مشغول شد. در جریان سورش دوم ارتجاع به  
کردستان (۲۸ مرداد ۵۸) رفیق در کنار خلق کرد  
و در سگرا زمان بیکار در جانش مقاومت (سندج)  
فعالانه شرکت نمود.

رفیق عطا نسبت به انتادات وضعها پیش  
هنگامه گذشتی نمی کرد و نمونه درختانی از  
انضباط بذیری در کار رستگاری و سیاسی بود.  
وی همواره میگویند از روی نایرها و دستورال  
تشکیلات حرکت کنند و در این راه سخت ترس  
ما موریت ها را با رعایت خاطر می پذیرفت.

با دوا و با آن خضائل انقلابی، سرخورد های  
صمیمی و گرمی که بر اساس آنها میتوانست  
بر احی و سرعت یافته های زحمتکش را بطه  
عاطفی انقلابی سرفراز کند و در آگاهی را در دل  
آنان بنیاد، به همسگران و رفقای پیشرو  
خواهد بخشید. رفیق سراجا در روز شنبه ۵۹/۷/۱۲  
هنگام اجرای یک ماموریت نادرگانی در حاده  
سفر - با نه همراه رفیق دیگری بوسیله مزدوران  
جانب بسته دشمن شتابانی شده و مورد حمله

الان که دارم اس با داشت را می نویسم،  
سریع کردی در آسنگاه ما است، او حق آنها را  
است که به پا دگان آمده اند. در عرض این مدت،  
این مردم توانسته اند سربازها و درجه داران  
روابط خوبی بوجود آورند. بچه ها در اطراف  
آسنگاه بازی میکنند و گاهی به آسنگاه  
می آیند. چهره های کودکان نشان، رفقا را دلپسند  
- شان محبت عصبی در دل سربازان ایجاد میکند.  
بسرکوب در کناری استاده است، رفقایم  
صدایش میکنند و او را از او میسرسند. نگاهش  
به آهویچه رنده ای میماند. میگوید که سارده  
سال دارد. از او می پرسیم که پدر و مادرش کجا  
هستند، جواب میدهد: ما در تبریز خورده و در  
سما رستان است. آنگاه خودش به حرف می آید و  
بالهجه شیرینش تعریف میکند که: ما درم آمده

قرار میگیرد. دور رفیق پیشمرگه، قهرمانان سه  
میرزمند. رفیق همراه موفق میشود سربازان را  
متقابل حلقه محاصره را بشکند. ولی رفیق عطا  
موردا ما است تا رنج دشمن قرا ر گرفته و در  
حالیکه زخمی بود دستگیر میشود. و با شکنجه های  
وحشیانه بشهادت میرسد. مزدوران رژیم مدتها  
محل درگیری را با خمپاره میگویند. رفیق  
عطا اینک بشهادت رسیده است، اما او به یقین  
"جاری جاودان در روشن فرداست".

ما که او را از نزدیک می شناختم و با خمال  
انقلابش آشنا هستیم بخون با کش میگویند. با  
میکند که قاطعانه تر و بیگانه تر از پیش  
بای جان در کنار خلقهای قهرمان ایران برای  
سرفراری جمهوری دمکراتیک خلق علیه ارتجاع  
و امپریالیسم امپریالیسم.

سرو سارما رزات عادلانه خلق کرد  
سنگ و نفرت سربازان و خلقهای ایران  
درود بر همه شهدای بخون خفته خلق  
سارمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
(کمیته کردستان)

۱۳۵۹/۷/۱۲



بقیه از صفحه ۶

همکاری را با خدا انقلاب شما بند و گره نه با شدیدترین وجه محازات خواهند شد. ۱. مأموران رژیم جمهوری اسلامی، مفاد مورد توافق خود را نیز زیر پا گذاشتند و در جاده میان دو آب عده رسای دی از مردم را دستگیر کردند و از ساعت ۸ شب بسودن هیچ بهانه ای شهر را غمبار سازان نمودند.

۵۹/۶/۲۱ حدود ساعت ۹ صبح حملات وحشیانه ارتش و پاسداران فزونی یافت. هنگام شش رزمندگان خلق کرد، بهیچمرگان قهرمان، بصورت پراکنده ضرباتی در محل استقرار نیروهای ضد خلق به آنها وارد کردند.

۵۹/۷/۱ شهر همچنان زیر غمبار و گلوله های تفنگ ام-۱۶ فدخلی قرار دارد و بعد از ظهر این روز سه تا یک که از تبه قاضی بطرف "دانشا محید" حرکت میکردند مورد حمله شجاعانه بهیچمرگان این فرزندان قهرمان خلق کرد، قرار گرفتند و افراد آن کشته و زخمی شدند. شب هنگام بهیچمرگان ضربات جانناهای به پاسداران در نقاط مختلف شهر وارد کردند. از جمله در خیابان شاهپور سابق

یک زرهپوش مورد اصابت آر-بی-بی-۷ بهیچمرگان قرار گرفته و منهدم گردید.

۵۹/۷/۲ این روز، روز خیزش مسلحانه توده های زحمتکش خلق کرد و بهیچمرگان حتمش مقاومت خلق در مها یا دیر علیه مزدوران حاکمیت جمهوری اسلامی بود. ارتش و پاسداران در تمام نقاط استقرار خود، مورد حملات بی امان جان - بازان خلق کرد واقع گردید. و نیروهای فدخلی به علت ضربات سنگینی که از دست خلق خورده بودند، ناچار شدند از فرمانداری، محل شورا، خانه - پینا هکی را دیو و تلویزیون و دکانیات عقب - نشینی کنند. در جریان فرار از اسیر مزدوران یک تا یک جفتن و یک آمبولانس حامل نفرات مسلح مزدور در اثر حملات بهیچمرگان منهدم گردیدند. شهر در اختیار و کنترل بهیچمرگان قهرمان قرار گرفت. ارتش و پاسداران همچنان از پادگان وتیه "دانشا محید" شهر را به سرآتش گرفته بودند. تعداد دشدها لطفه لحظه فزونی می یافت فدخلی تصمیم به تاسودی شهر و قتل عام مردم بیدفاع گرفته بود.

۵۹/۷/۳ ارتش و پاسداران، شهر را به تسوی بسته بودند. آنها بدون هیچ ملاحظه تمام نقاط شهر را با تمباره منهدم میکردند. حتی مساحه محصل استقرار را مداخلان و مجروحین بود از آتش ضد خلق در امان نبود. آمبولانسها و ماشینهای آتش - نشانی قدرت حرکت نداشتند. آتش از تمام نقاط شهر، شعله ور بود. بهیچمرگان قهرمان در مقابل اینهمه جنایت و قساوت جنايتكاران فدخلی، قدرت تحرک خود را از دست داده بودند. آنها برای نجات مردم بیدفاع از بمباران توسط ارتش فدخلی چاره ای جز ترک شهر نداشتند. مردم بیدفاع دسته دسته شهر را ترک میکردند. فدخلی، زنان و کودکان بیدفاع را قتل عام میکرد زیرا "پروزی" فدخلی نمی توانست عملی شود جز با قتل عام و وحشیانه خلق قهرمان کرد. آنها با ردیگر با ملاحظه حاکمیت جنايتكارانه خود را به سبای قتل عام مردم میسازد، به سبای ۵۰۰ کشته و بیش از ۵۰۰ زخمی از مردم در این شهر برقرار ساختند. آری مها با دغوق در آتش دشمن و غصون زنان و کودکان و مردان بیدفاع کرد است.

اخباری از شهرستانها

● مسجد سلیمان

نوطه اخراج معلمین

در روز ۵۹/۶/۲۱ در ادا مساهنهای ضد دمکراتیک رژیم صهیونیستی سرکوب انقلابیون ۲۷۳ نفر از فرهنگیان مسجد سلیمان که اکثر آنها معلمین انقلابی و مبارزان بودند در طی مبارزات قهرمانانه خلقهای ایران برای سرنگونی رژیم شاه - دلاورانه مبارزه می کردند، اخراج شدند. این اقدام که نشانه هراس رژیم از گاهی توده هاست آنچنان عجله و مسخره بود که پیش از این رژیم را فاش میکرد.

احکام با کسای هکی بسیار و عجله نوشته شده بود، حتی برای برخی از معلمین دوا رحکم نوشته بودند و با ترسها اکثر خط خوردگی داشت. چرا که این احکام در ۵۹/۶/۲۱ نوشته شده بود، منتها بر روی آنها کوشیده بودند تا ریخ ۵۹/۶/۵ (یعنی تاریخی که قبل از پاسان با کسای مقرر شده بود) را بنویسند.

یکه دیگر این رژیم، عده ای از عناصر

وابسته به رژیم شاه و سواکبهای خاش را نیز همراه این عده اخراج نمود، تا قضیه را لو ت کند، این توطئه همچنان که در ادا انقلابیون همراه با فحشا و با قا قا قجیان دیده ایم، نمی - تواند اجنایتهای رژیم را بیوشاند.

● قزوین

از قحطی و گرانی مردم تنگ آمدند

■ قحطی و گرانی ناشی از اوضاع نابسامان اقتصادی مردم را به خشم آورده است. مردم زحمتکش مجبورند برای خرید اگلا در صف - های طولانی معطل شوند. در هفته اول مهر ماه یکی از اهالی زحمتکش آبیک (که مسئولیت خانواد خود و برادرش که در شاد ف کشته شده است را دارد) پس از مدت ها انتظار در صف فقط یک قوطی روغن موتور گیرش می آید و چون در مقابل اعتراض او و مفاز داری اعتنایی نمیکند عصبانی شده و فریادی به محاسب مفاز میزند که در نتیجه وی بر زمین افتاده و می میرد.

بود از حیاط آب سرد ارد، تبر را میلل آمد، تبره او خورد، دیدم که او را به داخل بکشم، ما در گفت تبر و که تبر بخوری، گفتم: انکالی ندارم که من تبر بخورم، شما نباید تبر بخورید، برای اینکه ما را بزرگ و نگهداری کنید.... دیدم که شاست و بعد از تبر خوردن مادرم به پادگان آمدیم.

چهره های متفادی دارند زندگی، سرباز بروی مردمی اسلحه میکشد که آنها را دوست می دارد. ای سرما به داری! قدر زشت و تنفر آوری! امروز اطلاعیه لشکر ۲۸ کردستان را در پادگان خواندم. در اطلاعیه نوشته شده که مواد غذایی و مهمات آنها همین "تام شده است و پاسداران نقاط حساس شهر را گرفته اند. این یک دروغ بزرگ است. شهر مقاومت میکند و چه مقاومت فوق بشری! هرگز گمان نمی کردم که نیروی مردم اینقدر زیاده باشد.

بالای اطلاعیه لشکر ۲۸ کردستان یک آیه نوشته شده است. در زیر آیه معنی اش را نوشته اند: "پس هر که با مشرکین را دیدید، آنها را بکشید و دستگیرشان کنید و معا صره نمائید."

این است نظراتش و حکومت نسبت به مردم کردستان. مردم زحمتکشی که مثل ما هستند. برادران ما هستند و گناهی ندارند جز آنکه حفاشان را می خواهند.

۱۴ اردیبهشت

پادگان از آمبولانسهای که بهر جمعی دارند پر شده. امروز آتش بس اعلام شده است تا برای بودن احاد در پادگان ارشهر اقدام کنند. از صبح آمده حرکت بودیم. ساعت ۱۰ صبح بود که اعلام حرکت کردند. وسایل و کیمه های انفرادی را به کامیون بار کردیم تا به فردا که در عین حال میدان منجها هم هست ببرد و خودمان بهر

خیلی تمیزی به میدان آمد و در کنار آنها توقف کرد. مردمی با لباس کردی و شالی به گردن که اسلحه ای به کمر بسته بود از پیوپا ده شویا چهار نفر مسلح صحبت کرد و بعد از پایان صحبتها پیش با ما شین رفت. بعد از دقایقی حبیب پاسداران مستقر در پادگان به میدان آمد و آن چهار نفر را با خود برد. ساعت ۳ بعد از ظهر بود که دوا هلیکوپتر با زگشتند. ما به علت بدی هوا پرواز ما به هم خورد و فرارنده که فردا حرکت کنیم. دوا ره سبه آما پیشگاه برگشتیم. آتش بس با بان یافته و اکنون دوا ره صدای تیراندازی شروع شده است امروز در ۱۴ روز است که از آغاز جنگ میگذرد. (ادامه دارد)

به آنجا رفیم. در میدان دوا هلیکوپتر نشست - بودند. آمده حرکت بودند. پس از یک ساعت انتظار، تیمی از سربازان و درجه داران بطرف فخر حرکت کردند. ما در انتظار با زگشت آنها ن برجا ما ندیم. درجه داران و سربازان پادگان در کنار میدان بر سه میزدند و با کتکهای به ما می بگریستند. بعضی از آنها جلوی آمدند و سنوالانی در مورد رفتن ما از ما می پرسیدند. ساعت ۱۲/۵ بود که یک هلیکوپتر به زمین نشست. ۴ نفر که سروصورت خود را با تالپونا ده و کا ملا مسلح بودند، از آن بیاده شدند و در کنار میدان منتظر نشستند. بعد از یک ربع پیژوی

## اخبار جنگ

### زنده سوزاندن اسرای جنگی جنایت است

یک کماندوی ارتش تعریف مکروه کرده عده ای از اسرای ارتش عراق را بداخل نگرهای خود ریخته و آنها را به آتش کشیده اند و اسرا کما ملاً سوخته اند. یکی از حاضرین گفت که "این حرکت ضد اسلام است" و در جواب کماندو میگفت که: "جنگ اسلام پرش نمیشود". این گوته ای از رفتار ارتش مدخلی با اسیران جنگی است.

● ۱۲ مهر:

در این روز خلائی جلاد پس از اعدام تعدادی از عربهای سوسیال دین آبدان آمد. مسز دوران عراقی پس از ورود به سوسنگرد برای فریب زحمتکنان "اطلاعات ارضی" کرده و پس مردم بزرگترین تقسیم کردند و "شهر دار" و "فرماندار" انتخاب نمودند. خلائی پس از خروج عرافیه از سوسنگرد و ارداین شهرتند "شهر دار" و دیگر افرادیکه با عراقیه همکاری کرده بودند را اعدام کرد. او پس از ورود به آبدان در محاصره ای با "رادیو نعت ملی" خطاب به مردم آبدان گفت: "هر کسی را دیدید با سگ دستی است بداند و چپ است و در کیف او اعلامیه است". او پس به نیروهای سیاسی از جمله سازمان ما حمله کرد و گفت: "وقتی آنها را میگیری و میکشی کجا میروی؟ میگویند میرویم جنبه جنگم ولی وقتی کیف او را میبینی پرازا اعلامیه پیکار، فدائی و ما شویست است که به رژیم جمهوری اسلامی توهمین میکند" و خطاب به مردم گفت که "کسانی که کیف در دست دارند آهسته آهسته میروند و پشت سر خود را می بینند، اینها چپ هستند و اعلامیه دارند. مردم شما را بگیرید و تحویل ارگانهای انقلابی دهید!" دشمنی این مرتجعین با نیروهای انقلابی حد و اندازه ای ندارد. حتی در زمان جنگ شدت هم می یابد.

● ۱۵ مهر:

● طبق خبرهای رسیده حقوق کارگران پالایشگاه را شما ما پرداخت نمیکند بلکه حدود ۱۰۰ هزاره آنان میدهند. و بهانه میاورند که بعلت بسته بودن فرودگاهها پول به آبدان نمیرسد. اولین دودهای جنگ ارتجاعی بضمیمه کارگران زحمتکن میروند.

● غرضمهر - تقریباً تمامی مناطق صنعتی به خرابه تبدیل شده اند. آثار گلوله های شوب راکت و خمپاره در سراسر شهر به چشم میخورد. نیروهای سرق کننده و وسط خاها با آنها افتاده اند. احاد سوخته، تانکهای عراقی و ایرانی سوخته در خیابانهای شاه آباد، طالقانی و... دیده میشود. "سپاه رستم" مدعی "در هم کوبیده شده و هیچکس در آن نیست".

● ۱۶ مهر:

● احوار - اجابت خمپاره های ارتش ارتجاعی عراق به ناحیه جنوبی هوا از آتش مسلسل شروع و تا ظهر امروز ادامه داشت و تعداد زیادی کشته بر جای گذاشت. بیش از ۷۰ درصد کشته این منطقه شهر را ترک کرده اند. از مناطقی که هدف توپهای عراقی قرار گرفت پاسگاه ژاندارمری و کارخانه نورد و انواع درگاه هوا - خمرشهر است. در اثر اجابت خمپاره مدرعاً مل و جندتن از کارکنان سوزد کشته شده اند و لی از تلفات پاسگاه خبری درست نیست. حملات ارتجاع به نیروهای انقلابی شدت یافته است. بهادران سرمایه به کلیه منازل که اسلحه دارند حمله کرده و اهالی منزل را دستگیر کردند. اغلب این اسلحه ها با دادن تخمین و برای دفاع از سرگرای مناطق از اسلحه گرفته شده اند.

در ساعات خاموشی، بهادران عاریسین را تفتیش کرده و مورد بازرسی قرار میدهند و آنها را کتک میزنند و میخواستند.

### خانهای سنجایی آزاد شده اند

روز ۹ مهر ۵۹ دکتر کریم سنجایی همسراه فرخ سنجایی (که فراری بود) و پسران خان سنجایی (اوهم فراری بود) و او در کرمانشاه شدند. ورود کریم سنجایی موجب نفع مردم شد و سراجام معلوم شد که دکتر سنجایی برای تشکیل "سپح" عتاری و او در کرمانشاه شده است و هدف دیگرش آزاد کردن عسکران (برادرش) با هم را خان سنجایی کریم خان مفاتی و محمد خان سنجایی است.

● روز ۱۳ مهر خاها سنجایی زندانی (که در بالا اسمان آمد) در ساعت ۳ بعد از ظهر از زندان آزاد شدند. آنان با قول همکاری برای تشکیل سپح عتاری مرخص شدند و قرار است توسط کریم سنجایی "سپح" "ماهدشت" و "سنجایی" ادغام شوند. فرمانداری کرمانشاه نیز از کلیه خوانین منطقه خواسته است که در سپح عتاری شرکت کنند. جنگ تحمیلی و ارتجاعی، بیش از همه ارتجاع را متحد میسازد. ماهیت با مصالح مخالفت رژیم جمهوری اسلامی با خوانین و مشود الهای هر روش میگرد.

### جرا عراق از کردستان قهرمان

#### نمی تواند حمله کند؟

● ادامه و شدت یافتن درگیریهای دور زیم ارتجاعی ایران و عراق برای ارتش جمهوری اسلامی مشکلات جدیدتری را ایجاد کرده است. پرسنل نظامی حاضرینند اسلحه های گذشته چون حقوق و مزایای رایج به جنگ ادامه میدهد و برای جلوگیری از بی نظمی آنان مراعاتی بیشتری به حقوق آنان اضافه شده است. ارتش ایران بیش از پیش از بهانان جنگ محبت میکنند و برخی از آنان که کم هم هستند برای خلائی از جنگ به کودتا می. توسط ارتش دل بسته اند. در میان ارتش، با طرح جنگ بجنای سیاسی بیشتری در باره اوامع جامع و نقش ارتش در میگرد. پرسنل راجع به نیروهای سیاسی محبت میکنند و پیوسته در مورد کردستان محبت میکنند و اینکه نیروهای انقلابی و پیشمرگه های قهرمان خلق کرد کوکترین اجازه نخواهد داشت به نیروهای ارتجاعی

### سخنی دیگر بارها! در مورد نحوه خبرنگاری و گزارش دهی

ما قبلاً تهر با شما سخن گفته ایم و خواستار رابطه فعال شما با تهر بهمان گونه ایم، اکنون با ردیگرنا کیدمی کسیم برای بودهای تهر شدن بیکار لازم است هر اتفاقی که در کارخانه، روستا، محله، شهر، مدرسه، اداره و... می افتد بلافاصله به بیکار گزارش کنید. از مسائل کلی که با دستور تبلیغ و ترویج قرار گیرند، از مسائل مورد علاقه توده ها، از چگونگی زندگی و مبارزه سوده ها، ما را مطلع کنید.

۱- اخبار و وقایعی که در اطراف شما بوقوع میبندد و با اخباری که از دیگران شنیده اید بر شرط موقی بودن بر ایمان بفرستید توجه داشته باشید تا زمانی که ملا مطمئن به درستی خبر نیستید اسرا بر ایمان بفرستید. در تنظیم خبر به مسائل زیر توجه کنید:

خبر باید کامل باشد بدین ترتیب که عناصر زیر را در بر داشته باشد:

● که؟ (شخص، اشخاص، احزاب، گروهها و یا طبقات اجتماعی، ارگانهای دولتی که در واقع شرکت دارند و با واقع بنحوی به آنان مربوط میشود.

● چه؟ موضوع و نوع واقع، یعنی آنچه واقع را تشکیل میدهد.

● چرا؟ علت و انگیزه ای که سبب ایجاد واقع شده است.

● چگونه؟ تشریح چگونگی وقوع و وسایان کیفیت و ترتیب واقع و به بیان مختصر سرجرائی که بوقوع پیوسته است.

● کی؟ زمان وقوع، روز، ساعت، زمان تاریخی.

● کجا؟ مکان و نوع واقع.

ممکن است یک خبر شما عناصر فوق را دربر نداشته باشد اما باید کوشش کنید هر چه که در دسترس دارید بفرستید تا در دسترس ما برسد.

۲- گزارشاتی مبنی بر چگونگی زندگی و مبارزه توده ها را برای ما بفرستید، این گزارشات باید به بیانگر شرایط عمیق زندگی توده ها (دست مزد، ساعات کار، شرایط کار در کارخانه ها و مزارع و... و نیز روابط میان طبقات گوناگون باشد بیکرو و...).

۳- وقایع مهمی که در تهر می افتد (اعتماد ذهنی توده ها (انواع حرکات مبارزاتی، اعتصابات، تظاهرات... دیدنشان نسبت به هیئت حاکمه و نیروهای انقلابی، آرزوها، خواسته ها و تمایلاتشان و بطور کلی خلق و جوی توده ها) و نحوه شرکت نیروهای انقلابی و ضد انقلابی در مبارزات توده ها (تجربیات تبلیغ، ترویج و سازماندهی، بخش اعلامیه، فروش نشریات، چگونگی بقیه در صفحه ۱۰)

۴- رژیم عراق بدها اند در حالیکه رژیم مست بر اعراض امروزهای غربی و جنوب غربی رفته است

## تضادهای درونی هیئت حاکمه همچنان لاینحل است

جنگ ایران و عراق، گرچه "جنگ قدرت" را در میان دو جناح بورژوازی ارتجاعی تا حدودی کاهش داده، اما از بین نبرد و اختلافات کماکان باقیست. در آغاز هفته، روزنامه‌ها خبر دعواها و فحاشی‌های "لیبرال‌ها" و "حزب جمهوری‌زاد" مجلس منتشر شد. طرفداران حزب جمهوری که مسئله سفارت برایشان تبدیل به "دکان بردار مدی" شده است، بخاطر نفوذشان در مجلس، لیبرال‌ها را که خواهان مذاکره با آمریکا بر سر گروگان‌ها بودند، عقب‌را نند و گروگان‌ها این متاع نهم - رای توده‌ها را همچنان در اختیار خود گرفتند - جنگ البته تبلیغات دو جناح را سوی دیگری می‌کشاند. اما اختلافات کهنه را با رد گسترش از کرده یعنی صدور لیبرال‌ها می‌باید خارج حزب جمهوری را مورد حمله قرار داده و اقدامات آنها را که مغایر با "عرف دیپلماتیک" لیبرال‌هاست اعلامی دانستند که "به عراق در جنگ کمک می‌کند" و در عوض ایران را در صحنه جهانی منزوی می‌اندازد. لیبرال‌ها که خواهان تسریع عادی شدن روابط با کشورهای امپریالیستی هستند، کوشیدند تا از این جنگ بعنوان عاملی برای تقویت خود در حکومت استفاده کرده و از نظر سیاسی با مطلق حقاقت نظرات خود را تبلیغ کنند. آنها که در مورد ارتش توانسته بودند رقیب خود را به عقب رانده و نظرات ارتجاعی‌شان را به کرسی بنشانند در مورد سیاست خارجی با مقامات حزب جمهوری روبرو شده‌اند. حزب جمهوری از آنجا که حار و - جنالی‌های دروغین خدا می‌باید لیستی‌اش موجب شده است تا بخش زیادی از پایه‌های توده‌ای‌اش را حفظ کند و از واقعیت‌ها دور شود... نمیتوان عامل بسیار روهام فزایشی استفاده کرده است. حاضر نیست به خیمه شب بازی‌اش پایان دهد. بعلاوه حزب برای حفظ مناسبات سرمایه‌داری وابسته و سرکوب انقلاب چنین سیاستی را با کشورهای دیگر لازم می‌داند و چنین است که در دو مین سیاستی - از دربار جنگ (جمهوری اسلامی، مهر) می‌گوید که انقلاب اسلامی ایران "بهیچوجه منزوی نیست" و دلیل آنهم این است که عراق به ایران حمله کرده است!

علامه بحث سیرانز و ابداع اندیشه‌های یوشی است برای دوسپاس جداگانه ارتجاعی در مورد مسائل خارجی در گرفته است. کجایان میزان و انقلاب - اسلامی در یکطرف و طرف دیگر آزادگان، اطلاعات و جمهوری اسلامی و "مردم" حزب ضد توده که

نقشه در صفحه ۱۷

## یادداشت‌های سیاسی هفتگی

### جنگ طلبی برای جلوگیری از انقلاب

یکی از محورهای مهم تبلیغات رژیم بحزب تقویت ارتش و ضدیت با انقلابیون، مسئله جنگ طلبی رژیم است. رادیکال‌های لیبرال و مطبوعات رژیم، دانشجویان حزب جمهوری، وزراء و کلا مجلس، تحت و بر، رئیس جمهور و آیت الله خمینی همه از جنگ شعری می‌کنند. لیبرال‌ها در سرمقاله‌های ۱۲ مهر می‌گویند: "جنگ جبر حوسی است". بنی مدرن و فواید جنگ سخن می‌گوید و آیت الله خمینی هم خمینی ۸ مهر می‌گوید: "ارائه می‌دهد. آنها شهرهای بیمار را شده زنان بیوه و ده‌ها کارکنان سیکار شده و گران و بیماری و... وانی می‌شوند. آن‌ها در این جنگ بدن‌های شست خوش، سوار شدن بهتر برگردانده شده‌ها،

نقشه در صفحه ۱۸

### "تشکیل سمینار رفقای دانشجوی هوادار سازمان در خارج از کشور"

سمینار ایرانی دانشجویان هوادار سازمان سیکار در راه آزادی طبقه کارگر "از تاریخ ۲۲-۱۸ سپتامبر شرکت‌های از مدیفر از هواداران در سپهر سمینار (اسالما) برگزار گردید. در این سمینار رفقا موفق به تصویب اساسنامه موقت و تشکیل "اتحادیه جهانی دانشجویان و محملین ایرانی در خارج از کشور" (هوادر) سازمان سیکار در راه آزادی طبقه کارگر گردیدند. همچنین به نفر سمینار مسئولین موقت تعیین شدند که در اولین فرصت نسبت به تدارک و سرگزازی اولین مقمل این سمینار و راه‌شماره‌های ماکزارش مقمل این سمینار و راه‌شماره‌های آینده درج خواهند کرد.

★ ★ ★

رفقا! با خوشبودی فراوان، تشکیل سمینار موفقیت آمیز را با شما تبریک گفته و امیدوارم در کنگره آینده‌ها موفقیت‌ها و دستاوردهای سازمان‌های رفقای خود را به شما بگویم. بیروزیانید.

### درود بر شهدای زحمتکش ایران و عراق!

مدها تن از زحمتکشان مین ما بوسیله شما هم‌رزم عراق در دزفول، هواز، آبادان، خرمشهر، تهران، تبریز و... به شهدا دست رسیده‌اند. در بیمارستان مناطق مسکونی بغداد، موصل، کرکوک، سلیمانیه... چندصد تن از زحمتکشان عراق به شهادت رسیده‌اند. آری این جنگ ارتجاعی برای زحمتکشان ما فقط فلاکت و بدبختی و گسترش ارمغان می‌آورد!

### تسلیم به خلق قهرمان الجزایر!

مهر طبیعت بیکار دیگر گلوله زحمتکشان شهر "الاسلام" در الجزایر را فرستاد. گزارش‌های اولیه حاکی از کشته شدن بیش از ۲۵۰۰۰ نفر و زخمی و آوارگی ده‌ها هزار نفر از مردم این شهر است. ما این مصیبت و فاجعه بزرگ را به کارکنان و زحمتکشان و خلق الجزایر و سوسیژه ما زما ندگان مقتولین این حادثه تسلیم می‌کنیم!

### سالگرد

سلطنت تراکم مطالب، متأسفانه نتوانستیم با دنیا مرفعاتی شهید سیمین تاج حیرری و محمدرضا خوندی اعضای بخش متشعب از سازمان مجاهدین خلق را در این شماره بیاوریم. در شماره آینده با این رفقا را گرامی خواهیم داشت.

### پوزش

بعث خواندنی نقد فیلم "مبارزین با سگ" که قسمتهای سوم و چهارم آن باقی مانده است، متأسفانه به دلیل تراکم مسائل روز نمیتوانیم در "پیکار" بیاوریم. امیدواریم شما این بحث را همراه با مقالات دیگر هنری مشابه در یک مجموعه به خوانندگان تقدیم کنیم.

### منتشر شد:

**جنگ و انقلاب**

پیکار

جنگ و انقلاب

شماره ۱۰۰

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست